

ادراک متفاوت گروه‌های سنی از نشانه‌های معنایی و بصری مؤثر بر هویت محیطی (مطالعه موردی: محله فهادان یزد)

سیده آریتا مجدزاده*، رضا میرزایی**، سید مهدی مداحی***، محمدرضا مبهوت****، احمد حیدری*****

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۰/۸/۱۰

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۱/۳/۱۶

چکیده

هویت در سیمای محیط‌های مصنوع همواره برگرفته از مؤلفه‌های انسانی و علوم رفتاری است که این هویت در محله‌هایی که دارای قدمت و بافت تاریخی، به علت کاربرد متعدد نشانه‌های معنایی و هویتی منتسب به فرهنگ دارای ارزش بیشتری هستند که در گروه‌های مختلف سنی با بکارگیری نشانه‌ها می‌تواند نمود دیگری از نظر آن‌ها داشته باشد. لذا در این پژوهش سعی شده است باهدف بررسی تأثیر نشانه‌های بصری و معنایی که منجر به هویت‌مندی بافت قدیم شهری بر ادراک متفاوت سه گروه سنی جوان، میان‌سال و کهن‌سال می‌شوند، به شناسایی این عوامل از دیدگاه خبرگان و کاربران فضایی بپردازد. روش تحقیق ترکیبی از نوع کیفی-کمی است که در قسمت استخراج متغیرها از مصاحبه نیمه ساختاریافته با تکنیک کدگذاری و تقلیل داده‌ها در نرم‌افزار ATLAS.TI استفاده می‌شود و در بخش کمی از نرم‌افزار JMP برای تحلیل آمار استنباطی و همبستگی گروه‌های سنی و ترسیم برازش منحنی استفاده می‌شود. نتایج نشان می‌دهد که در گروه‌های سنی ۴۰-۶۰ و ۲۰-۴۰ تقریباً توجه به نشانه‌های ادراکی و بصری در یک فضا برابر است که ضریب همبستگی ۰/۷۶ حاکی از این امر است. به‌طورکلی می‌توان این‌گونه بیان نمود که برای طراحی نشانه‌های ادراکی و بصری در یک فضا گروه‌های سنی ۲۰-۶۰ سال به یک صورت فکر می‌کنند و می‌توان از نتایج یک گروه برای تبیین رفتار گروه دیگر استفاده نمود، اما این امر در گروه سنی ۶۰ تا ۸۰ سال وجود ندارد و نیاز است قبل از طراحی محیطی با این خصوصیات، نظرات این گروه سنی جدا موردبررسی قرار گیرد؛ اما با توجه به نمودارها مشخص می‌شود که نشانه‌های ادراکی و بصری در گروه‌های سنی ۴۰-۶۰ و ۶۰-۸۰ دارای همبستگی بیشتری هستند به نظر می‌رسد نوع نگاه گروه‌های سنی ۶۰-۸۰ در امتیازدهی به نشانه‌ها دارای تفاوت بوده و با گذر زمان این تفاوت بیشتر هم می‌شود این امر با توجه به ضرایب تعیین به‌دست‌آمده این امر را تأیید می‌کند که باید در طراحی‌ها مبتنی بر نشانه‌های ادراکی و بصری به این امر توجه ویژه‌ای نمود. در نتیجه گیری این پژوهش، محله فهادان به‌عنوان یک بافت غنی با داشتن نشانه‌های بصری و ادراکی گوناگون، ابتدا از جنبه‌های مختلف مورد استخراج و سپس ارزیابی قرار می‌گیرند. نشانه‌های استخراج‌شده در ابعاد فضایی، کالبدی، عرفانی، اقلیمی و اجتماعی قابل دسته‌بندی هستند.

واژگان کلیدی

ادراک گروه‌های سنی، هویت محیطی، نشانه‌های بصری، نشانه‌های معنایی.

۱. این مقاله برگرفته از رساله دکتری نگارنده اول با عنوان «تبیین شاخصه‌های معنایی و نشانه‌شناختی در نظام بصری محیط با هدف هویت‌بخشی به کالبد شهر (نمونه مورد مطالعه: محله فهادان یزد)» به راهنمایی نگارنده دوم و سوم و مشاوره نگارنده چهارم و پنجم در دانشگاه آزاد اسلامی واحد بیرجند است.
- * دانشجوی دکتری گروه هنر و معماری؛ واحد بیرجند؛ دانشگاه آزاد اسلامی؛ بیرجند؛ ایران.
- ** استادیار گروه هنر و معماری، واحد بیرجند، دانشگاه آزاد اسلامی، بیرجند، ایران. (نویسنده مسئول)
- *** استادیار گروه هنر و معماری، واحد بیرجند، دانشگاه آزاد اسلامی، بیرجند، ایران.
- **** استادیار گروه معماری و شهرسازی، موسسه آموزش عالی خاوران، مشهد، ایران.
- ***** استادیار گروه هنر و معماری، واحد بیرجند، دانشگاه آزاد اسلامی، بیرجند، ایران.

azita.majdzadeh@gmail.com

mirzaeireza@iaubir.ac.ir

sm.madahi@gmail.com

r.mabhoot@profs.khi.ac.ir

ahmad.heidari@iaubir.ac.ir

مقدمه

موضوع ادراک محیطی به وسیله نشانه‌های ادراکی و بصری در جهت هویت‌مندی بافت‌های شهری یکی از موضوعات روز دنیا برای حفظ الگوهای بومی در محلات دارای ارزش در هر کشور است این نشانه‌ها باعث جلب رضایت کاربران فضایی و ترغیب حضور این افراد در محیط است. (لاری پور و دادور، ۱۳۹۸: ۷۲) مطالعات محیطی در منظر و تشخیص هویت بخشی و ساماندهی در محلات شهری به گونه‌ای است که می‌تواند تأثیرگذاری در خوانایی مطلوب را با شناخت معانی و نشانه‌ها مهیا نماید؛ اما این نشانه‌ها در گروه‌های سنی متفاوت دارای تأثیر متفاوتی برای گروه‌های سنی است. متأسفانه شهرسازی امروز ایران، پیش از آن که به عوامل محتوایی معطوف شود در تظاهراتی کالبدی خلاصه می‌شود؛ شهرهای امروزی شامل کالبدهایی هستند که نمی‌توان برای آن‌ها مفهومی در نظر گرفت و در آن‌ها یکسان شدن بافت شهرها، عدم تطبیق فرم ظاهری فضا، معنای آن و ادراک محیط در کنار عدم توجه به مفهوم فرهنگ در کالبد و معنا هویدا است. (پورجعفر و منتظرالحجه، ۱۳۸۹: ۵۰)

انسان ذاتاً موجودی معنا ساز است و معنا را از طریق تولید و تفسیر «نشانه‌ها» به وجود می‌آورد. «پیرس» می‌گوید: «هیچ چیز نشانه نیست مگر این که به عنوان نشانه تفسیرش کنیم». پایه و اساس نشانه - معناشناسی نوین در «مکتب پاریس» و بر مبنای نظریات «گریماس» گذاشته شده است. (ظهوریان، ۱۳۹۵: ۲) نشانه‌های شهری عناصر و اجزایی از محیط‌های شهری هستند که به عنوان نقاط کالبدی در این محیط‌ها موجب خاطره‌انگیزی و خوانایی شهرها و هویت‌بندی قسمت‌های مختلف آن می‌گردند. برای تثبیت هویت و فرهنگ غنی، نیاز است عناصر شهری علاوه بر خوانایی دارای معنی و مفهوم مرتبط با فرهنگ ساکنین آن شهر باشند. (ایزدپناهی، ۱۳۹۵: ۴۰) در ساختار هر شهر، نشانه‌شناسی برای تحلیل هویت شهر بسیار قابل توجه است. (نصر، ۱۳۹۶: ۱۸۹) کنش و خواست انسانی معنا را به نشانه مرتبط می‌سازد و نشانه را به یک عنصر تجربه شده تبدیل می‌نماید. نشانه بر انسان تأثیر متقابل گذارده و به واسطه معنای خود به ارزش‌ها و مفاهیم انسان خط می‌دهند. به همین دلیل هویت نشانه معطوف به هویت شخصی بوده و در اثر تجربه مستقیم محیط فیزیکی رشد می‌یابد؛ بنابراین می‌توان گفت، هویت بازتابی از وجوه اجتماعی و فرهنگی نشانه شهری است. (پورجعفر و منتظرالحجه، ۱۳۸۹: ۵۰) درواقع آنچه یک شهر را پویا و جذاب ساخته و سبب ایجاد رضایت در بین شهروندان می‌شود. تاریخ، فرهنگ غنی، زیبایی و کیفیت بصری فضای شهری است که نمود ویژه آن در المان و نشانه‌های در ساختار هر شهر، نشانه‌شناسی برای تحلیل هویت شهر بسیار قابل توجه است. (نصر، ۱۳۹۶: ۱۸۹)

اما این نشانه‌ها و ابعاد معنایی محیط ساز به علت تغییر محیط به مرور زمان در گروه‌های سنی دارای تفاوت است؛ که می‌تواند منجر به تعابیر مختلفی نزد اشخاص با گروه‌های سنی مختلف گردد. با توجه به مشاهدات عینی از فضا به نظر می‌رسد که در گروه‌های سنی مختلف بین ۴۰-۶۰، ۶۰-۸۰ تا ۸۰ از لحاظ ادراکی در شاخص‌های معنایی دارای تفاوت‌های اساسی است. هدف از این تحقیق بررسی شاخص‌های معنایی و هویتی در سه گروه سنی است و سعی دارد متوجه شود که کدامیک از گروه‌های سنی دارای همبستگی بیشتری باهم هستند؟

تغییر امری مختوم است لیکن در کنار تداوم و استمرار می‌تواند به هویتی پایدار بینجامد. در این راستا، به کمک بررسی عناصر و نشانه‌های تشکیل‌دهنده بافت‌های تاریخی و معنا بخشیدن باهدف حفظ و تداوم حضور این عناصر در بافت می‌توان تمهیداتی اندیشید که محیط پاسخگوی نیازهای زمانه خود بوده و درعین حال تداوم و پیوستگی با شکل و فضای تاریخی باشد. بدین معنی که معماران، برنامه‌ریزان و طراحان شهری باید این پیوستگی و استمرار زمان را در مکان به شکل معنادار و محسوس ایجاد نمایند تا هویت بافت‌های باارزش تاریخی در شهرهای ایرانی - اسلامی تقویت گردد. این مهم بسیار ضروری است که محله‌ای با قدمت فهادان یزد که دارای بافتی سنتی - تاریخی است، عناصر هویتی آن حفظ گردیده و سینه به سینه به آیندگان منتقل شود؛ این میسر نیست مگر با ایجاد زمینه و تکیه بر انگاره‌های معماری ایرانی موجود در این بافت و ساماندهی آنان ضمن درگیر نمودن ذهن مخاطب در معنا بخشی به این عناصر با استفاده از ادراک ذهنی افراد در پی بردن به هویت و اصالت محله و ایجاد حس تعلق به مکان از سوی شهروندان و گردشگران مهیا گردد.

مبانی نظری

نشانه شناسی

شاخه‌ای از دانش بشر که به نشانه‌ها و چگونگی کاربرد آن‌ها برای ارتباط میان انسان‌ها و چگونگی تولید معنی و انتقال معنا در جامعه می‌پردازد، نشانه‌شناسی نامیده می‌شود. درواقع نشانه‌شناسی یک علم چند رشته‌ای است که یک هدف عام مشترک، یعنی درک بهتر رفتار معنادار انسان، به آن وحدت می‌بخشد (Stedman and Beckley, 2004: 19). هر نشانه به یک واحد اطلاعات اشاره می‌کند که پیکربندی آن‌ها در کنار یکدیگر دارای معنا است. الگوهای اولیه که به بررسی ساختار نشانه پرداخته‌اند، متعلق به زبان‌شناس سوئیسی «فردینان دو سوسور» و فیلسوف آمریکایی «چارلز سندرز پیرس» است. (ماجدی و سعیده زرابادی، ۱۳۸۹: ۵۱) واژه «نشانه‌شناسی» از ریشه یونانی است که در قلمرو

«نشانه» و «معنا» قرار دارد. (امیری خوشکار وندانی، ۱۳۹۵: ۴۲۵) ظهور نشانه‌شناسی به‌عنوان رشته‌ای علمی را مدیون «چارلز سندرز پیرس» (۱۹۱۴ - ۱۸۳۹) هستیم؛ از نظر وی نشانه‌شناسی، چارچوبی ارجاعی است که هر مطالعه دیگر را در برمی‌گیرد. تقریباً هم‌زمان با پیرس، سوسور (۱۹۱۳ - ۱۸۵۷) نیز نشانه‌شناسی را مطرح نمود. وی زبان را نظامی از نشانه‌های می‌دانست که بیانگر اندیشه‌ها است (قشقای و همکاران، ۱۳۹۷: ۴۴۸). تشخیص کالبدی یک نشانه می‌تواند برگرفته از دو دسته متغیر باشد که عبارت‌اند از (Caduff and Timpf, 2008: 251):

- ۱/ ویژگی‌های کالبدی خود نشانه، یعنی متغیرهایی که متعلق به خود عنصر نشانه‌ای و جزئی از ماهیت وجودی آن است؛
- ۲/ ویژگی‌های نقش زمینه‌ای نشانه که معطوف به نوع ارتباط عنصر یا زمینه و بافت پیرامون است. ویژگی دوم شامل نمایانی و نحوه ترکیب حجمی با بافت مجاور است. کیفیتی است که حاصل فواصل و زوایای دید به نشانه شهری است که اساساً جزئی از منظر شهری بوده و مرتبط با سکانس‌های بصری و حرکتی تعریف می‌شود (محمدحسینی و همکاران، ۱۳۹۵: ۶۶).

تمایز عملکردی یک عنصر نشانه‌ای نشأت گرفته از سه نوع اهمیت است (Van Lenthe, 2016: 765). نخست: اهمیت صرفاً کارکردی (معطوف به نوع استفاده و شدت آن)؛ دوم: اهمیت عملکردی (معطوف به بعد زمانی استفاده) و سوم: اهمیتی که در اثر نوع استفاده‌کنندگان که در یک عنصر هنری ایجاد می‌گردد و منجر به نشانه شدن آن عنصر می‌گردد. این چند ویژگی از مولفه‌های سه‌گانه آغاز گردیده و به متغیرهای ریزتر می‌رسند.

جدول ۱- مؤلفه‌های کالبدی و معنایی نشانه شهری، عوامل مؤثر بر شکل‌گیری ادراکی محیط و علل تداوم‌پذیری یا تنوع‌پذیری ادراکی محیط

نشانه‌شناسی	
کالبدی	معنایی
ویژگی	
ماهوی و زمینه‌ای	تداعی‌گر و ادراکی
عوامل مؤثر بر شکل‌گیری ادراکی محیط	علل تداوم‌پذیری یا تنوع‌پذیری ادراکی محیط
تابع شرایط اجتماعی، فردی، فرهنگی و فیزیکی	خلق یا بازآفرینی تصویر ذهنی مشترک عامل تداوم‌پذیری معنای محیط
زمینه‌های فرهنگی/ سنت‌ها، تعاملات اجتماعی، شرایط ادراکی، زمان/ ابعاد تداعی‌کنندگی محیط	گروه‌های اجتماعی، حرفه‌ای، نسبی، جنسی/ کثرت و تنوع نمادها عامل تنوع‌پذیری معنایی مشترک در محیط‌های تاریخی.
تجربیات، تفاوت‌های ادراکی افراد	تفاوت‌های زمانی. تفاوت‌های فرهنگی عامل تنوع‌پذیری معنایی.
تفاوت‌های ادراکی	قابلیت‌های متفاوت انسانی نظیر سن، سطح توانایی فیزیکی، قومیت و جنسیت عامل تنوع‌پذیری معنایی.
سازمان‌دهی ذهنی اشارات محیطی	نمادینه‌سازی محیط عامل تداوم‌پذیری معنایی/ تداوم ارزش‌ها عامل تنوع‌پذیری معنایی.
خاطره، حس هویت، رویکرد پدیدارشناسانه به چیزها، ابعاد تداعی‌کنندگی محیط	تغییر نگرش افراد عامل تنوع‌پذیری معنایی.
تجربیات، ذهنیات، فضای ادراکی	تابع فرهنگ، علائق و نقطه نظرات مختلف مردم
تفاوت‌های ادراکی افراد	طبقه‌بندی اجتماعی عامل تنوع معنایی. سن، جنس، میزان تحصیلات، میزان آشنایی قبلی با محیط عامل تنوع‌پذیری معنایی.
هویت (سازمان‌دهی کالبدی، سرزندگی، ارزش تاریخی)	-

اپلارد (۱۹۷۰) کاراکترهایی که یک عنصر شهری را در ذهن مردم به یادماندنی و نشانه‌ای می‌کند را تمایز فرم، نمایانی (رویت‌پذیری) و برخوردار از اهمیت نمادین و عملکردی آن می‌شمارد. از میان این عوامل حداقل تمایز فرم و نمایانی را می‌توان در حوزه کالبدی نشانه‌ها دسته‌بندی نمود (Appleyard, 2002: 79). عوامل تأثیرگذار بر تمایز فرم عبارت‌اند از: اندازه، شکل، رنگ، مصالح، سبک ساخت و مبلمان بیرونی. همچنین نمایانی را در ارتباط با موقعیت آن عنصر نسبت به مراکز و کانون‌های دید و فعالیت شهروندان ارزیابی می‌گردد. (محمدحسینی و همکاران، ۱۳۹۵: ۶۴) انسان به‌شدت میل به معنا سازی دارد و معنا را از طریق تولید تفسیر «نشانه‌ها» به‌وجود می‌آورد. رویکرد زبان‌شناسانه به معماری نشان داد که می‌تواند شهر را و بناهایش را به‌مثابه متن در نظر گرفت و مورد تفسیر قرار داد. متن پدیده‌ای فیزیکی است، بنابراین هر

مصنوعی را با یک عملکرد و پیام رمزگذاری شده، می‌توان متن به شمار آورد. (حمدجانی و همکاران، ۱۳۹۶: ۴۸) «معماری مانند یک متن در برابر مخاطب دریایی از اندیشه‌ها و ارزش‌های طرح را تداعی نموده و واجد زبانی در پس پرده خود است که با مخاطب به گفتگو می‌نشیند.» (زال‌نژاد و همکاران، ۱۳۹۲: ۴۲) کلمه‌های این متن، عناصر ساختاری، ساختمان‌ها، توده و احجام، فضاهای جمعی، فضاهای باز، راه‌های دسترسی و گره‌ها هستند که ضمن وابستگی معنایی به یکدیگر، یک کلیت واحد را به نمایش می‌گذارند (Frank, 2006) و از طریق رمزگان‌های منطقی، زیبایی‌شناختی و اجتماعی پیام خود را انتقال می‌دهند، بنابراین آنچه در معماری به‌عنوان عامل معنا ساز نشانه قابل‌شناسایی است؛ در هر سه قالب «شمایل، نمایه و نماد» می‌تواند نمود یابد. (Kumer, 2009: 17)

ادراک محیط

اولین گام در فرآیند شناخت و ادراک محیط، حس عناصر کالبدی در فضای شهری است (موسوی سروینه باغی و صادقی، ۱۳۹۵: ۱۰۱). در این مرحله، ذهن انسان تلاش دارد تا به کمک تفسیر و معنا کردن روابط میان عناصر فضای شهری، نظم و ساماندهی بصری را تجسم نموده و رابطه‌ای معنادار را میان آن‌ها برقرار نماید (کاظمی و بهزادفر، ۱۳۹۲: ۷۴). در این صورت می‌توان گفت، تأثیرات روان‌شناختی انسان از ادراک عناصر فضای شهری به دو دسته «ادراک کیفیت معنایی محیط» و «ادراک کیفیت بصری محیط» تقسیم می‌شوند (لاری‌پور و دادور، ۱۳۹۸: ۸۶). از نیمه دوم قرن بیستم و پس از افول اندیشه‌های خردگرایانه در چارچوب گرایش‌های هنر مدرنیستی و اقبال به رویکردهای پسامدرن در ادبیات معماری و شهرسازی، موضوع معنا در کیفیت محیط تجلی یافت (ماجدی و سعیده زرابادی، ۱۳۸۹: ۵۲). مطالعات پژوهش‌های افرادی همچون لینچ^۱، راپاپورت^۲، لنگ^۳، شولتز^۴، وایت^۵، رلف^۶، اپلیارد^۷ و غیره نشان می‌دهد که جنبه‌های ادراکی و تداعی‌کننده معنا به یکدیگر مرتبط بوده (Kalin and Yilmaz, 2012: 241) و تفاوت میان کیفیت‌های ادراکی موجب می‌شود که این کیفیت‌ها در ترکیب باهم، تداعی‌گر «معناها» برای مخاطبان باشد (کوهی‌فرد، ۱۳۹۷: ۱۲). از دیدگاه لینچ، «ادراک» تظاهر عینی «معنا» ست و معنایی محیط به‌واسطه حضور در فضا و ادراک آن تعیین می‌گردد (لینچ، ۱۳۹۵). کالن^۸ سواد بصری و ادراکی را عامل مهمی در ایجاد حس رضایت افراد در تماس با محیط می‌داند (عامری سیاهویی و همکاران، ۱۳۹۶: ۱). شولتز نیز در نگاهی پدیدارشناسانه به محیط معتقد است که انسان به‌واسطه حضور در فضا به دنبال آن است که وجود خود را معنادار نموده و پایگاهی در فضا در زمان به‌دست آورد (لاری‌پور و دادور، ۱۳۹۸: ۸۶).

درواقع ویژگی‌های فرهنگی جامعه همچون روحی در کالبد مکان نفوذ می‌نماید و در آن تجلی یافته و خود را در بستر مکانی و فضایی نمایان می‌سازند (وحدت و رضایی‌راد، ۱۳۹۶: ۷۱). در نتیجه مؤلفه معنایی مکان، بستری کیفی و استعاری است که برآمده از حضور رویدادها و خاطرات جمعی و به‌طور کلی آن دسته از ویژگی‌هایی که مکان به‌واسطه آن دارای معنا شده است. (قشقای و همکاران، ۱۳۹۷: ۴۴۸). پدیده ادراک، فرآیندی ذهنی است که در طی آن تجارب حسی، معنادار می‌گردد و از این طریق انسان روابط امور و معانی اشیاء را درک می‌کند. در این عمل، تجارب حسی، مفاهیم و تصورات ناشی از آن، انگیزه فرد و موقعیتی که در آن ادراک صورت گرفته، دخالت می‌نمایند (قشقای و همکاران، ۱۳۹۷: ۴۴۸). در این رابطه ادراک محیطی، فرآیندی است که انسان، داده‌ها و انگاشت‌های ذهنی لازم را از محیط پیرامون دریافت می‌کند و با شناخت او از محیط توأم می‌گردد؛ که این خود نتیجه برهم‌کنش ادراک حسی و شناخت است. ادراک محیطی بر اساس حواس پنج‌گانه انسان و از جنبه‌های عینی محیط صورت گرفته و حس بینایی بیشترین نقش را در ادراک بصری محیط‌های شهری دارد. (وحدت و رضایی‌راد، ۱۳۹۶: ۷۱) کوین لینچ (۱۹۶۰) کیفیت یک شهر را تنها از طریق دیدن آن توسط شهروندان میسر می‌داند. وی عقیده دارد این امر به واسطه تصویر ذهنی و ادراک محیطی که مردم از محل سکونت خود دارند شکل می‌گیرد. وی در ارتباط با کیفیات بصری شهر به عوامل مختلفی از جمله خوانایی، شفافیت و وضوح بصری اشاره می‌نماید (لینچ، ۱۳۹۵). کولن (۱۹۶۱) در زمینه جنبه‌های بصری شهر، نظریه «دیدهای متوالی» را ارائه نموده و به مؤلفه‌هایی نظیر تداوم بصری، منظر در حال نمایان، منظر موجود و غیره در ادراک بصری محیط اشاره می‌نماید (کالن، ۱۳۹۰: ۷۱).

جدول ۲- مؤلفه‌های مؤثر در ارتقاء کیفیت بصری و معنایی ادراک محیط

(ماخذ: نقل از وحدت و رضایی‌راد، ۱۳۹۶؛ ماجدی و سعیده زرابادی، ۱۳۸۹؛ قشقای و همکاران، ۱۳۹۷)

صاحب‌نظران	مؤلفه‌های مؤثر در ارتقاء کیفیت بصری	مؤلفه‌های مؤثر در ارتقاء کیفیت معنایی	صاحب‌نظران
Lynch, 1960	خوانایی؛ وضوح بصری؛ شفافیت	شناخت رفتارهای فضایی	کریک (۱۹۷۰)
Cullen, 1961	توالی؛ تداوم؛ حرکت؛ منظر پنهان‌شده؛ تنوع در مسیر حرکت	انگیزش با ادراک او، میزان همبستگی با محیط، شخصیت و انگیزش و نیازهای فرد	برلاین (۱۹۷۲)
Spreiregen, 1965	چشم‌اندازها؛ تجارب بصری متنوع	وضوح در درک کل و اجزای محیط در زمان و مکان و ارتباط آن با ارزش‌های غیرفضایی	لینچ (۱۹۹۷)

صاحب‌نظران	مؤلفه‌های مؤثر در ارتقاء کیفیت بصری	مؤلفه‌های مؤثر در ارتقاء کیفیت معنایی	صاحب‌نظران
Lerup, 1972	تداوم؛ خوانایی؛ قابلیت پیش‌بینی	عوامل اجتماعی و روانی / تفاوت‌های فرهنگی	گروتز (۱۹۹۷)
Lynch & Hack, 1985	وحدت؛ خوانایی	رفتار و تجارب شخصی فرد	جی‌فورد (۱۹۹۷)
Gehl, 1987	تناسبات بصری؛ غنای حسی بصری؛ خوانایی؛ سازگاری بصری، دید و منظر زیبا	تجربیات پیشین، نیازها و انگیزش‌ها، شخصیت فردی انسان	لنگ (۲۰۰۳)
Lang, 1987	اشکال؛ تناسبات؛ ریتم؛ مقیاس؛ پیچیدگی؛ رنگ	رفتار بر اساس ذهنیت	آلتمن (۲۰۰۴)
Steadman, 2004	خوشایندی بصری؛ خوانایی؛ مقیاس؛ محصوریت	شاخصه‌های اجتماعی و فرهنگی، تجربیات شخصی، نظام ارزش‌ها و تفاوت‌های شخصیتی افراد	برادی و همکاران (۲۰۰۴)
Frank, 2006	دید؛ منظر	حاصل ارتباط غیرکلامی انسان - محیط انطباق انگاره‌های ذهنی با عناصر کالبدی محیط	راپاپورت (۲۰۰۶)
Lee, 2006	رویت‌پذیری؛ نور مطلوب؛ فضای سبز؛ امکانات	ادراک ناظر	وایت (۲۰۰۶)
Pikora et al, 2006	کشف و راز	ارزش‌های اجتماعی	دگن (۲۰۰۸)
Carmona, 2007	جهت‌یابی؛ خوانایی	علائق، احساسات، خاطرات و انتظارات، زمینه اجتماعی و زمان	ویشر (۲۰۰۸)
Kumar, 2009	شکل؛ تناسبات؛ ریتم؛ مقیاس؛ رنگ؛ حس مالکیت بر فضا؛ سایه؛ سلسله‌مراتب؛ ارتباطات فضایی؛ ابهام؛ نوآوری؛ سازگاری و شگفتی؛ محصوریت	شاخص‌های اجتماعی و فردی	سانتوس و همکاران (۲۰۰۹)
Ganitseva and Coors, 2010	کیفیت دیدها؛ خط آسمان؛ چشم‌اندازها؛ کنترل و احداث بناهای مرتفع نشانه‌ای	روابط خاص اشیاء با یکدیگر در محیط	شولتز (۲۰۰۹)
Kalin and Yilmaz, 2012	دسترسی؛ خوانایی؛ تداوم؛ خدمات؛ زیبایی بدنه	حضور انسان‌ها در فضاها	رلف (۲۰۰۹)
Saeideh Zarabadi et al, 2013	خلاقیت در معماری؛ تنوع قطعات	تغییر توانایی‌های فردی در اثر یادگیری، جنسیت و فرهنگ	هال (۲۰۰۹)
Richter and winter, 2014	بستر و زمینه مناسب؛ خوانایی	تحولات اجتماعی و فرهنگی، تجربیات شخصی، نظام ارزش‌ها و تفاوت‌های شخصیتی افراد	کرمونا (۲۰۱۰)
Zhang et al, 2014	فضای سبز	میزان اطلاعات جذب شده ذهن از محیط پیرامون	کاراتکین (۲۰۱۳)
Ghafari et al, 2015	زیبایی محیطی؛ مجاورت با عناصر تاریخی	فرهنگ و ارزش‌های فردی	باسنه‌هارت (۲۰۱۴)
Kamrani and Behzadfar, 2016	زیبایی محیطی؛ خوانایی	تجربیات فرد در زندگی، آشنابرداری و تجربه کردن لحظه‌ای آشنا در گذشته	کانوی و لاودی (۲۰۱۵)
Alkan Bala, 2016	تنوع سبک‌های معماری	چندمعنایی بودن محیط	لاوله (۲۰۱۵)
Samavatekbatan et al, 2016	عوامل ایجادکننده هویت و تأکید؛ ارتباط اجزای کالبدی با یکدیگر و با کل	هیجان و احساسات، جنبه‌های ادراکی، یادگیری، رفتاری و تجربه‌ای	فولر (۲۰۱۶)
Azma and Katanchi, 2017	نمای معماری و پیوستگی جداره‌ها	قومی، جنسیتی، طبقه اجتماعی و سن مخاطب	رایس و همکاران (۲۰۱۶)

هویت محیطی

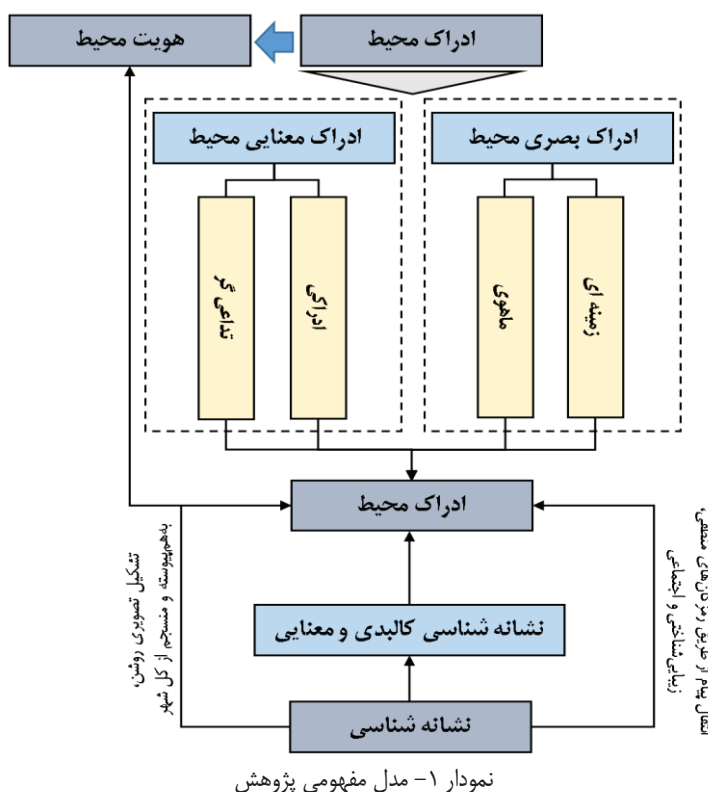
هویت احساس تعلق خاطر به مجموعه‌ای مادی و معنوی است که عناصر آن از قبل شکل گرفته‌اند. (حمدجانی و همکاران، ۱۳۹۶: ۴۸). بر همین اساس باید اذعان داشت که هرکدام از عناصر سیمای محیط همچون پدیده‌های عینی دیگر دارای هویت هستند به‌شرط آن‌که از یک‌سو در

مقام عینیت مستقل باشند و از سوی دیگر افراد به عنوان موجودی عینی در محیط حضور یافته و عینیت تک تک عناصر سیمای محیط را ابتدا درک و سپس با ذهن خود تطبیق دهند (کلالی و مدیری، ۱۳۹۱: ۵۱). در این حالت است که شخص بخشی از عینیات محیط را به تصویری ذهنی بدل می سازد؛ بنابراین بهترین شیوه بررسی جایگاه هویت به دو صورت زیر میسر خواهد بود (دولابی و همکاران، ۱۳۹۴: ۴۰):

(۱) پرداختن به انتظاراتی که از یک عنصر عینی سیمای محیط وجود دارد.

(۲) انطباق آن با تصویری است که در ذهن افراد به وجود می آید (کامورشلمانی و حناچی، ۱۳۹۴: ۶۷).

مهم ترین ویژگی در تبدیل محیط به هویت، مکان است. کیفیت معنایی محیط وقتی به معنا تبدیل می گردد که هویت و ریشه داشته باشد. «کورپولا» هر مکان کالبدی مصنوع یا طبیعی برای شناخت مکان در طول زمان برای محیط «حس خود» تحقق یابد را تعریف نموده است. (Korpela, 1998: 244) شهر مجموعه ای از عوامل زنده و پویا بوده که هویت بخشی آن در طول زمان منتقل شده و عناصر و عوامل تشکیل دهنده محیط های آن اعم از ساختمان ها، گذرها، میادین، محصول روح خلاق ساکنین آن است. اگر شهر را مجموعه ای از ساختمان ها، عناصر و مراکز شهری بدانیم باید ظاهری بر آن متصور شویم که در صورت هویت دار بودن یا ساخته شدن و یا فعل دیگر بتواند منحصر به خود باشد (شهبان و گلی پور، ۱۳۹۶: ۶) در فرآیند طراحی مبتنی بر شیوه های ساختاری از طریق سنجش هویت، ویژگی ها یا سازوکارهایی برای مکان های مختلف در نظر گرفته می شود که آن ها را از هم متمایز می سازد. شفافیت تمایز فرم ها، کارکردها، مناظر و تصورات ذهنی قابلیت ها، دلپذیری کارایی، مکان را در محور معنی دار بودن فضا ارتقاء می بخشد. همه این ها بخشی از مؤلفه های زمینه ساز ارتقاء کیفیت محیط است که هدف طراحی محیط و طراحان شهری است. (کوهی فرد، ۱۳۹۷: ۱۱)



پیشینه پژوهش

در ارتباط با موضوع و رویکرد پژوهش محققان زیادی به کار تحقیق مبادرت داشتند که در اینجا به ذکر برخی از نظریات خواهیم پرداخت: انصاری و همکاران در سال ۱۳۸۷ در مقاله ای با عنوان «هویت بخشی به محلات بافت های فرسوده شهری با تأکید بر ساماندهی نظام بصری» با معرفی انگاره های «هویت» و «حس مکان» در بافت های فرسوده شهری ضمن تأکید بر لزوم انجام مطالعات بصری- کالبدی در این بافت ها، اقدام به معرفی تحلیل و بازساخت نظام بصری و انگاره های آن پرداختند. کلانی و مدیری در سال ۱۳۹۱ در مقاله ای با عنوان «تبیین نقش مؤلفه معنا در فرآیند شکل گیری حس مکان» بر فراهم آوردن بستری برای رسیدن به ادراک معانی وجود در مکان و خلق معانی

ارزشی و نمادین از مکان در ذهن تأکید کرده‌اند. نتایج حاصل از آن مبین وجود روابط درونی میان سطوح مختلف معنای مکان، سلسله‌مراتب حضور انسان در مکان و سطوح گوناگون حس مکان است. نصر و ماجدی در سال ۱۳۹۲ در مقاله‌ای با عنوان «هویت کالبدی شهر، مفاهیم و نظریات» هویت را موضوعی می‌دانند که تفاوت سیمای شهر قدیم ایرانی و شهر معاصر را موجب گشته است و معتقدند فضای شهری ایرانی مواجد هویت است و این هویت در فرهنگ، محیط، کالبد و معنا خود را می‌نمایاند؛ درحالی که در فضای شهری امروز چنین نیست.

نرخ آبادی فام در سال ۱۳۹۵ در مقاله‌ای با عنوان «ارزیابی معناشناختی نشانه‌های شهری بر مبنای هویت اسلامی»، نشانه‌های معماری شهر نمی‌توانند معنایی متناسب با فرهنگ و هویت فرد داده و فضاهای شهری موجود در شهرهای امروزی، فاقد حس مکان و هویت مشخص هستند. از نظر وی بناهای شاخص و نشانه‌های شهری می‌توانند نقش مهمی در بهبود کیفی فضاهای شهری داشته و گامی در جهت معنابخشی به فضا و ایجاد حس مکان در مخاطب باشند و فضاهای شهری را برای شهروندان خوانا، قابل درک و در آن‌ها حس تعلق مکانی ایجاد نمایند.

ملکی در سال ۱۳۹۶ در کتاب معنا در معماری می‌نویسد: همه‌چیز در معماری از معنا شروع می‌شود و در حقیقت این معناست که روح حاکم بر جوامع انسانی و هر چیز انسانی و دست‌ساخته‌ی حتی بناهای ساخته‌شده توسط انسان را تشکیل می‌دهد؛ و معتقد است موضوعی که ذهن معماران را همیشه به خود معطوف داشته و باعث برخورد آراء ایشان با یکدیگر می‌شود این است که بالاخره فرم باید از عملکرد تبعیت کند یا این که فرم باید تابعی از زیبایی باشد و عملکرد به تبع و در امتداد فرم پدید آید.

نصر در سال ۱۳۹۶ در مقاله با عنوان «جایگاه نشانه‌های شهری در واکاوی مؤلفه‌های هویت و فرهنگ در سیمای شهر ایرانی»، با تأکید بر آنکه شهر با الگوی فرهنگ گرا نمی‌تواند در هرجایی از زمین پیاده شود، متمرکز است و هویت هر شهر با شهر دیگر متفاوت است، می‌نویسد که انسان، فرهنگ و رفتارهای انسانی در هویت‌مند بودن یک محیط مؤلفه‌هایی قابل توجه هستند؛ بنابراین محیط شهری واجد هویت می‌تواند به عنوان حلقه‌ای برای ارتباط میان فرد و جامعه، فرد و تاریخ و گذشته و حیات شهری، زمان، محیط و طبیعت پیرامون او باشد و در ادامه با واکاوی شهرسازی معاصر ایران اذعان می‌دارد که شهرسازی امروز پیش از آن که به عوامل محتوایی ذکرشده معطوف باشد در تظاهرات کالبدی خلاصه می‌شود؛ پس نمی‌توان برای آن مفهومی در نظر گرفت، چراکه در آن یکسان شدن بافت شهرها، عدم تطبیق فرم ظاهری فضا و معنای آن، عدم توجه به مفهوم فرهنگ در کالبد و معنا قابل مشاهده است.

مرادزاده در سال ۱۳۹۸ در مقاله‌ای با عنوان «دستیابی به فضای مطلوب شهری با تأکید بر نقش مؤلفه معنا در شهر با محوریت ادراک محیطی شهروندان»، با تأکید بر ساماندهی فضایی در نظام بصری شهر، حضور مثبت افراد و در نتیجه ارتقاء و تقویت سطح روابط اجتماعی میان افراد جامعه را منوط به ادراک درست از محیط و توجه به نشانه‌ها و معناشناسی فضای ساخته می‌داند. وی شش پارامتر «هویت، ساختار، سازگاری، شفافیت، خوانایی و اهمیت» را با توجه به میزان تأثیرگذاری بر مؤلفه معنا و با استفاده از نرم‌افزار SPSS و مدل ساختاری SEM مورد ارزیابی و تحلیل قرار داده و در نتیجه آن ساختار فضا و هم‌نشینی اجزای آن را هدایتگر کنش اجتماعی و ادراک محیط از سوی شهروندان در تعریف فضا و خوانش هویت فضایی آن معرفی می‌کند. لاری‌پور و دادور در سال ۱۳۹۸ در مقاله‌ای با عنوان «تحلیل نشانه‌شناسی صورت و معنا در مسجد وکیل شیراز»، با استفاده از نظریه «چارلز ساندروز پیرس» به بررسی نقوش تزئینی و معماری مسجد وکیل شیراز از منظر نشانه‌شناختی پرداختند. در این پژوهش سعی بر آن داشتند تا عناصر تزئینی و اجزاء کالبدی مسجد وکیل و تأثیری که در انتظار معانی و مفهوم نشان دارند را موردبررسی قرار دادند و دریافته‌اند در هنر اسلامی نشانه‌های شمایی کمتر به کار رفته است و در صورت وجود، هنرمند آن را از دلالت تشابه آزاد کرده و گستردگی معنایی به آن می‌بخشد.

پورزرگر در سال ۲۰۱۴، در مقاله‌ای با عنوان «خانه، سنت و بازآفرینی محله جوباره اصفهان»، به بیان حفظ ارزش‌های ماندگار محله؛ جذب و نگهداشت نشانه‌های بصری محله؛ ایجاد وحدت فضایی مجموعه؛ بازگرداندن هویت اجتماعی و تاریخی محله، احیاء واحدهای همسایگی، معابر و دسترسی‌های تاریخی را در حفظ هویت و ساماندهی نظام بصری در راستای خوانش معانی بافت تاریخی جوباره در شهر اصفهان عنوان می‌کند.

شولتس در سال ۲۰۱۷ در کتاب «معنا در معماری غرب» می‌نویسد: معنا نیاز بنیادی انسان است و انسان چیزی جزء معانی که در دسترس اوست نیست؛ وی معتقد است بلوغ روانی آدمی به معنای آگاه شدن او از معناهاست و هر فرد در درون نظام معنایی زاده می‌شود که از طریق مظاهر نمادینش به فهم آدمی منتقل خواهد شد. در همین نظام است که آدمی با «ساختن» معناها را آشکار می‌کند. پس هر محصول انسان را می‌توان نماد یا ابزاری دانست که در خدمت هدف نظم (معنا) بخشیدن به نسبت‌های معینی میان انسان و محیط اوست.

روش تحقیق

این پژوهش از لحاظ حیث نوع بنیادین و از جنبه روش دارای ترکیبی لانه به لانه است برای پاسخ به سؤال تحقیق از روش تحقیق کیفی- کمی لانه به لانه استفاده می‌شود. در روش کیفی برای تدقیق متغیرهای استخراج شده از مبانی و همچنین تخصیص دادن متغیرهای مبانی به نمونه موردی از مصاحبه نیمه ساختار یافته استفاده می‌شود و نتایج به دست آمده برای تسهیل در امر کدگذاری وارد نرم افزار ATLAS.TI می‌گردد و کدگذاری باز برای استخراج متغیرها با رویکرد، زنده، توصیف و تفسیر صورت می‌پذیرد. افراد مصاحبه شونده مطابق جدول زیر برگزیده شده‌اند و معیار ورود به تحقیق آن‌ها وجود مقالات علمی پژوهشی در ارتباط با موضوع و خبره بودن آن‌ها در این حوزه است. سیستم معرفی آن‌ها به صورت گلوله برفی است.

جدول ۳- تخصیص افراد مورد مصاحبه

مصاحبه‌شوندگان	تعداد	فراوانی (درصد)	درصد تجمعی
جنسیت			
زن	۱۵	۳۲/۶	۳۲/۶
مرد	۳۱	۶۷/۴	۱۰۰
مدرک تحصیلی			
لیسانس	۵	۱۰/۹	۱۰/۹
فوق لیسانس	۱۹	۴۱/۳	۵۲/۲
دکتری	۲۲	۴۷/۸	۱۰۰
تخصص			
اساتید معماری	۱۶	۳۴/۸	۳۴/۸
اساتید معماری منظر	۹	۱۹/۵	۵۴/۳
اساتید طراحی شهری	۱۲	۲۶/۲	۸۰/۵
اساتید برنامه‌ریزی شهری	۹	۱۹/۵	۱۰۰
مجموع	۴۶	۱۰۰	-

در قسمت کمی از متغیرهای به دست آمده پرسشنامه‌ای با طیف لیکرت ۵ تایی (۱: کمترین میزان ادراک فرد از هویت محیط؛ ۵: بیشترین میزان ادراک فرد از هویت محیط) تدوین می‌گردد و بین ۳۸۴ نفر از کاربران فضایی تقسیم می‌شود. نمونه‌گیری برای تعیین گروه‌های سنی خوشه‌ای و در هر گروه سنی به صورت تصادفی است. خوشه‌ای شامل گروه‌های سنی ۲۰-۴۰، ۴۰-۶۰، ۶۰-۸۰ است. خصوصیات و ویژگی‌های کاربران فضایی در جدول زیر آمده است. برای کفایت نمونه از حد بالای جدول مورگان که تعداد ۳۸۴ است بهره گرفته شده است. در آغاز هدف‌های کل (هدف تحقق و بررسی) و هدف‌های جزء (هدف از طرح هر سؤال)، مفاهیم، مضامین، مقوله‌های تخصصی و کلیدواژه‌های پژوهش مشخص شده و توضیح هر یک از آن‌ها به صورت پیوست در اختیار کاربران فضایی قرار داده شد. سپس در صورت عدم وجود ابهام در خصوص این واژگان تخصصی برای پرسش‌شوندگان، پرسشنامه با سؤالات بسته که شامل سؤالات در خصوص هدف و سؤال تحقیق بود، به آن‌ها تعلق گرفت. سؤالات پرسشنامه به صورت کلی و به‌دوراز سفسطه و جزئی گویی طراحی گردید.

جدول ۴- ویژگی‌های کاربران فضایی که پرسشنامه به آن‌ها تعلق یافت

تعداد افراد جامعه	۶۰۳۷ (طبق سرشماری سال ۱۳۹۵)	تعداد افراد نمونه	۳۸۴ نفر طبق فرمول کوکران
پرسش‌شوندگان	تعداد	فراوانی (درصد)	
زن	۸۷	۲۲/۶۶	
مرد	۲۹۷	۷۷/۳۴	
مدت سکونت در محله	حداقل پنج سال		
تعداد انتخاب از هر گروه سنی		۱۲۸ نفر از هر گروه	

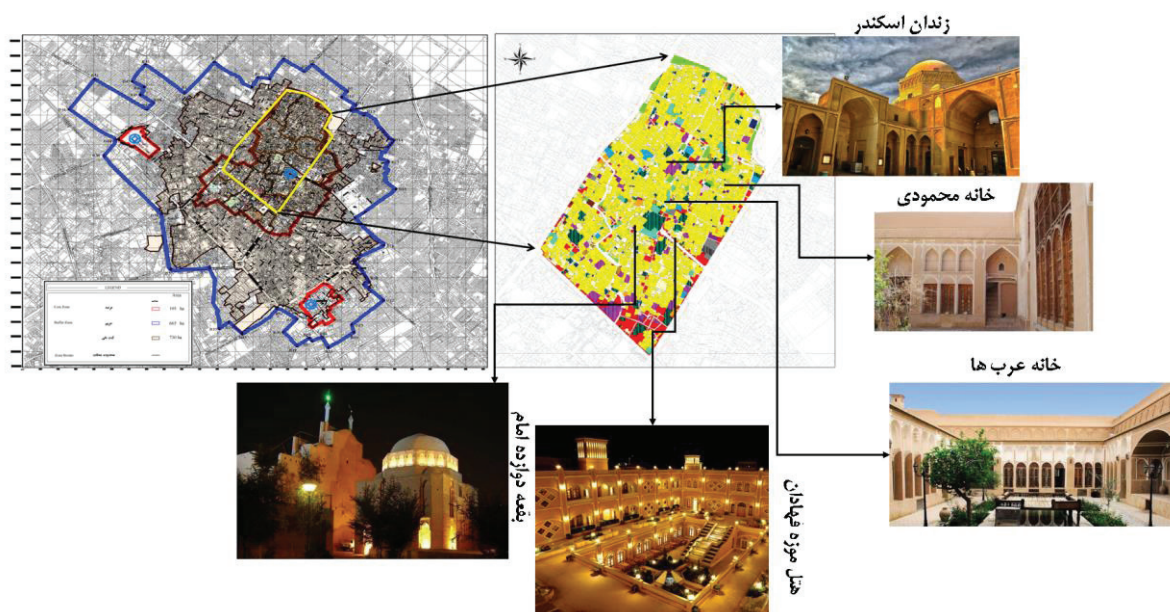
جنسیت هر گروه	زن (نفر)	مرد (نفر)
۲۰-۴۰	۵۷	۷۱
۴۰-۶۰	۶۲	۶۶
۶۰-۸۰	۴۷	۸۱
مقطع تحصیلی	تعداد (کل گروه‌های سنی)	درصد
زیر دیپلم	۱۲	۳/۱۲
دیپلم	۳۷	۹/۶۳
لیسانس	۱۲۹	۳۳/۶
فوق لیسانس	۱۵۴	۴۰/۱
دکتری	۵۲	۱۳/۵۵

روایی ابزار با فرمول $CVR=0/76$ و آلفای کرونباخ برای پایایی با میزان $0/78$ بهره گرفته شده است. به علت تعدد متغیرها برای دسته‌بندی و همچنین میزان اثر هریک از آن‌ها در محله فهادان از تحلیل عاملی با روش Varimax استفاده می‌شود و سپس به تفکیک گروه‌های سنی تبیین می‌گردد و در نهایت ضرایب تعیین شده در هر گروه سنی با یکدیگر همبستگی گرفته می‌شود و برازش منحنی ترسیم می‌گردد؛ و خصوصیات تغییر یافته هر متغیر در گروه سنی به نمایش گذاشته می‌شود.



محدوده مطالعاتی

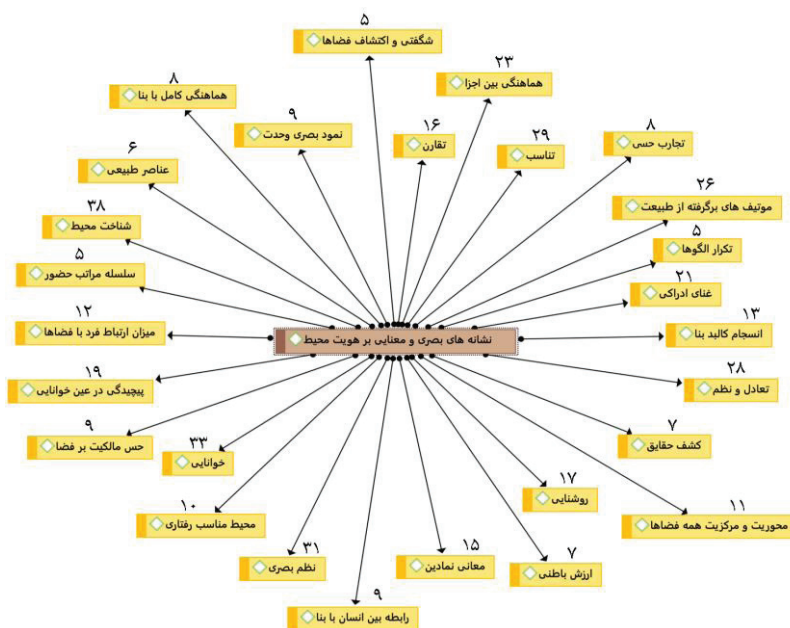
فهادان یکی از قدیمی‌ترین محلات شهر یزد است که در مجاورت محله‌های بازار نو، شاه ابوالقاسم و کوشک نو قرار دارد. این محله در گذشته محل سکونت اعیان، بزرگان و سرشناسان بوده است؛ و نیز به محله یوزداران نیز شهرت یافته است (شریفیان، ۱۳۹۷). محله فهادان در اوایل قرن پنجم هجری ایجاد شده است. محله فهادان محصور بین چهار خیابان اصلی به نام‌های امام خمینی، قیام، سیدگل سرخ و فهادان، از جانب شمال به خیابان فهادان، از جنوب به خیابان قیام، از سمت شرق به خیابان امام خمینی و از غرب به خیابان سیدگل سرخ محدود است (موذنی، ۱۳۹۴). کاربری‌های عمده در مجموعه شامل؛ کاربری‌های سکونتی، تجاری، آموزشی، فرهنگی، اداری، گردشگری، انبار و مخروبه است. در داخل بافت نقاط عمده فعالیتی شامل مجموعه مسجد جامع (شامل مسجد جامع، بقعه سیدرکن الدین، میدان وقت الساعت، بازار و چهار سوق شاهی، مدرسه علمیه و کتابخانه وزیری)، مرکز محله فهادان (شامل بقعه دوازده امام، زندان اسکندر، حسینییه فهادان و هتل فهادان) مجموعه عناصر وابسته به میراث فرهنگی و قسمتی از بازار است (کارآموز، ۱۳۹۳).



شکل ۱- محدوده مورد مطالعه

یافته‌های تحقیق

در جمع‌بندی کلیه کدهای استخراج‌شده از مصاحبه‌های صورت گرفته در ارتباط مقایسه نشانه‌های معنایی و بصری در هویت محیطی با تأکید بر ادراک متفاوت گروه‌های سنی به‌صورت زیر در شکل ارائه می‌شود. در این مرحله پژوهشگر با مرور مجموعه داده‌های گردآوری شده تلاش می‌کند که مفاهیم مستتر در آن را بازشناسد. درنهایت اطلاعات حاصل از مصاحبه با اساتید و کارشناسان، ۲۷ مفهوم در ارتباط با نشانه‌های ادراک معنایی و بصری در هویت بخشی از طریق کدگذاری باز استخراج گردید. این ساختار تجربه بر اساس نوع معانی حاصل از تجربه مثبت و ارتباطات به هم پیچیده ابعاد مختلف بود که ماهیت اصلی نشانه‌های ادراک معنایی و بصری در هویت بخشی را شکل می‌دهند. بخش‌های اصلی فضای نتیجه حاصل، مبنای بحث در خصوص ابعاد اثرگذار در نشانه‌های ادراک معنایی و بصری در هویت بخشی و پرسش‌های مطرح‌شده در این رابطه شدند. سپس طبقات شکل گرفته در کدگذاری باز، با یکدیگر مقایسه و ارتباط با زیر طبقاتشان بررسی شد. طبقات مشابه باهم ادغام شدند و در یک طبقه محوری دسته‌بندی شدند.



نمودار ۳- تکرار هر یک از کدهای استخراج‌شده از متن مصاحبه در کدگذاری باز

در این مرحله، نخست متن مصاحبه در جستجوی مضامین مرتبط با سؤالات تحقیق، به صورت دقیق و کلمه به کلمه مطالعه شده و در هر نقطه از مصاحبه که مضمونی یافت می‌شد، آن قطعه از مصاحبه انتخاب شده و یک مضمون توصیفی به آن نسبت داده می‌شد و پس از کدگذاری توصیفی متن مصاحبه، به تفسیر معانی آن‌ها پرداخته شد. در ادامه نحوه کدگذاری توصیفی و تفسیری برخی از متون مصاحبه آورده شده است.

جدول ۵- گزیده‌ای از کدهای مفهومی استخراج‌شده از متن مصاحبه‌ها

کد مفهومی استخراج‌شده	گزاره‌های برگرفته از متن مصاحبه و برداشت
معانی نمادین سلسله‌مراتب حضور	مؤلفه‌های معنای محیط، بستری برای رسیدن به ادراک معانی وجود در مکان فراهم می‌کنند که موجب به خلق معانی ارزشی و نمادین از مکان در ذهن می‌شود. سپس حس مکان از برآیند روابط درونی میان سطوح مختلف معنای مکان، سلسله‌مراتب حضور انسان در مکان و سطوح گوناگون به دست می‌آید.
نمود بصری	ساختار بینایی انسان در شکل‌گیری معیارهای طراحی جداره‌های شهری و ادراک بصری تأثیر دارد. محیط بصری با توجه به مطابقتی که با مکانیسم فیزیولوژیک و بینایی انسان دارد تحلیل می‌شود و با توجه به استانداردهای بینایی در درک تصویر محیط بصری برای چشم انسان شناسایی می‌شود.
نمود بصری وحدت	جهت حفظ هویت و ساماندهی نظام بصری در راستای خوانش معانی بافت تاریخی بایستی به حفظ ارزش‌های ماندگار محله؛ جذب و نگهداشت نشانه‌های بصری محله؛ ایجاد وحدت فضایی مجموعه؛ بازگرداندن هویت اجتماعی و تاریخی محله، احیاء واحدهای همسایگی، معابر و دسترسی‌های تاریخی توجه داشت.
غنای ادراکی خوانایی محیط	نشانه‌های معماری شهر نمی‌توانند معنایی متناسب با فرهنگ و هویت فرد داده و فضاهای شهری موجود در شهرهای امروزی، فاقد حس مکان و هویت مشخص هستند. بناهای شاخص و نشانه‌های شهری می‌توانند نقش مهمی در بهبود کیفی فضاهای شهری داشته و گامی در جهت معنابخشی به فضا و ایجاد حس مکان در مخاطب باشند و فضاهای شهری را برای شهروندان خوانا، قابل‌درک و در آن‌ها حس تعلق مکانی ایجاد نمایند.
حس مالکیت شناخت محیط	هر عصری هویت و نشانه‌های خود را دارد؛ اما آنجا که گسست روی می‌دهد مصادیقی از بحران هویت در افراد و محیط ساخته رخ می‌دهد؛ بنابراین باینکه شهر به‌طور مداوم در حال تغییر است اما نرخ تغییر عناصر، نشانه‌ها و معانی به یک اندازه نیست و به همین دلیل اصالت و هویت آن حفظ می‌شود و حس مالکیت و شناخت محیط از اهمیت زیادی در دید بصری بیننده برخوردار می‌گردد.
عناصر طبیعی	شهر با الگوی فرهنگ‌گرا نمی‌تواند در هرجایی از زمین پیاده شود و هویت هر شهر با شهر دیگر متفاوت است. انسان، فرهنگ و رفتارهای انسانی در هویت‌مند بودن یک محیط مؤلفه‌هایی قابل توجه هستند؛ بنابراین محیط شهری واجد هویت می‌تواند به‌عنوان حلقه‌ای برای ارتباط میان فرد و جامعه، فرد و تاریخ و گذشته و حیات شهری، زمان، محیط و طبیعت پیرامون او باشد. شهرسازی امروز پیش از آن که به عوامل محتوایی ذکرشده معطوف باشد در تظاهرات کالبدی خلاصه می‌شود؛ پس نمی‌توان برای آن مفهومی در نظر گرفت، چراکه در آن یکسان شدن بافت شهرها، عدم تطبیق فرم ظاهری فضا و معنای آن، عدم توجه به مفهوم فرهنگ در کالبد و معنا قابل مشاهده است.
سلسله‌مراتب حضور	همه‌چیز در معماری از معنا شروع می‌شود و در حقیقت این معنا و حس حضور بودن است که روح حاکم بر جوامع انسانی و هر چیز انسانی و دست‌ساخته وی حتی بناهای ساخته‌شده توسط انسان را تشکیل می‌دهد. موضوعی که ذهن معماران را همیشه به خود معطوف داشته و باعث برخورد آراء ایشان با یکدیگر می‌شود این است که بالاخره فرم باید از عملکرد تبعیت کند یا این که فرم باید تابعی از زیبایی باشد و عملکرد به تبع و در امتداد فرم پدید آید.
خوانایی محیط شناخت محیط	حضور مثبت افراد و در نتیجه ارتقاء و تقویت سطح روابط اجتماعی میان افراد جامعه را منوط به ادراک درست از محیط و توجه به نشانه‌ها و معناشناسی فضای ساخته می‌داند. ساختار فضا و هم‌نشینی اجزای آن، هدایتگر کنش اجتماعی و ادراک محیط از سوی شهروندان در تعریف فضا و خوانش هویت فضایی آن است.
هماهنگی اجزای فضا	نشانه‌ها می‌توانند در جهت ارتقای حس مکان و ایجاد کیفیتی بهتر در ارتباط با هماهنگی اجزای فضای معماری، در فرآیند طراحی نقش به سزایی ایفا نمایند؛ بنابراین نقش معانی تداعی‌کننده در طراحی فضای معماری و چگونگی ادراک مخاطب اهمیت می‌یابد.
تجارب حسی عناصر طبیعی نمود بصری	رفتار انسان در شهر وابسته به میزان درک و شناخت او نسبت به محیط است و پدیده ادراک فرآیندی ذهنی است که طی آن تجارب حسی، معنی‌دار شده و از این طریق انسان روابط امور و معانی اشیاء را درمی‌یابد. پس نشانه عنصر طبیعی است که به لحاظ شکل و عملکرد با محیط اطراف متفاوت است و جهت القاء حس مکان و هدایت‌گری معانی بصری در دید مخاطب مورد استفاده قرار می‌گیرد.

یافته‌های کمی

جهت سنجش نشانه‌های معنایی و بصری بر هویت محیطی پدید آمده در بخش کیفی و گروه‌بندی و تعیین میزان آن‌ها از سهم عاملی و تحلیل عاملی استفاده می‌شود.

اولین گام در روش تحلیل عاملی بعد از استخراج معیارها و شاخص‌های موردنظر از متون معتبر مربوطه، تشکیل ماتریس اولیه اطلاعات است. در این پژوهش، ماتریسی دارای ۱ ردیف به نام محله فهادان و ۲۷ پیامد و نشانه ادراکی و بصری به عنوان ستون‌های ماتریس، در ماتریس اولیه اطلاعات تشکیل گردید.

مقدار KMO، همواره بین ۰ و ۱ است. در صورتی که مقدار موردنظر کمتر از ۰/۵ باشد، داده‌ها برای تحلیل عاملی مناسب نخواهند بود و اگر مقدار آن بین ۰/۵ تا ۰/۶۹ باشد، بایستی با احتیاط بیشتر به تحلیل عاملی پرداخت؛ اما در صورتی که این مقدار بیشتر از ۰/۷ باشد، همبستگی موجود میان داده‌ها برای تحلیل داده‌ها مناسب خواهد بود از سوی دیگر برای اطمینان از مناسب بودن داده‌ها برای تحلیل عاملی، باید از آزمون بارتلت استفاده کرد. آزمون بارتلت این فرضیه را که ماتریس همبستگی‌های مشاهده‌شده، متعلق به جامعه‌ای با متغیرهای نابسته است، می‌آزماید. برای آنکه یک مدل عاملی، مفید و دارای معنا باشد، لازم است متغیرها همبسته باشند.

جدول ۶- مقادیر کایزر مییر اولکین و بارتلت در سنجش نشانه‌های ادراکی و بصری

مقادیر کایزر مییر اولکین و بارتلت	
مقادیر کفایت نمونه‌گیری کایزر مییر اولکین	۷۴۲/۰
کای اسکوئر	۷۶/۲۲۶
درجه آزادی	۲۷
سطح معناداری	۰/۰۰۰

آزمون بارتلت هنگامی معنادار است که احتمال وابسته به آن کمتر از ۰/۰۵ باشد. اگر آزمون بارتلت معنادار باشد، این خطر وجود دارد که ماتریس همبستگی ماتریسی واحد (با عناصر قطری ۱ و عناصر غیر قطری صفر) باشد و برای تحلیل بیشتر نامناسب است در روش تحلیل عاملی، ساخت عامل‌ها به چند طریق صورت می‌گیرد، که یکی از آن‌ها روش تجزیه به مؤلفه‌های اصلی^{۱۳} است که در این تحقیق از همین روش استفاده شده است. جدول ۶ بررسی آزمون کروییت بارتلت و ضریب KMO را برای تحلیل موردنظر در این پژوهش ارائه می‌دهد. جدول فوق نشان می‌دهد که مقدار KMO مربوطه، بالاتر از ۰/۵ بوده و برای تحلیل عاملی داده‌های مربوطه مناسب می‌باشند.

جدول ۷- اشتراکات متغیرهای ادراکی و بصری محله فهادان یزد

۰/۸۷۳	۱/۰۰۰	تناسب	۰/۸۰۰	۱/۰۰۰	پیچیدگی در عین خوانایی
۰/۷۶۹	۱/۰۰۰	روشنایی	۰/۶۰۶	۱/۰۰۰	تجارب حسی
۰/۷۱۶	۱/۰۰۰	حس مالکیت بر فضا	۰/۸۵۳	۱/۰۰۰	تعادل و نظم
۰/۵۷۳	۱/۰۰۰	ارزش باطنی	۰/۷۴۵	۱/۰۰۰	انسجام کالبد فضاها
۰/۶۱۸	۱/۰۰۰	عناصر طبیعی	۰/۸۱۶	۱/۰۰۰	هماهنگی در اجزا
۰/۶۴۲	۱/۰۰۰	هماهنگی کامل با بنا	۰/۹۰۷	۱/۰۰۰	خوانایی
۰/۵۱۷	۱/۰۰۰	کشف حقایق	۰/۹۳۲	۱/۰۰۰	شناخت محیط
۰/۷۲۸	۱/۰۰۰	میزان ارتباط فرد با فضاها	۰/۸۰۹	۱/۰۰۰	غناي ادراکی
۰/۷۱۳	۱/۰۰۰	نمود بصری وحدت	۰/۸۸۰	۱/۰۰۰	نظم بصری
۰/۷۱۸	۱/۰۰۰	محیط مناسب رفتاری	۰/۷۶۶	۱/۰۰۰	تقارن
۰/۸۴۶	۱/۰۰۰	موتیف های برگرفته از طبیعت	۰/۶۵۳	۱/۰۰۰	رابطه بین انسان با بناها
۰/۷۱۹	۱/۰۰۰	محور و مرکزی بودن همه فضاها	۰/۷۴۶	۱/۰۰۰	معانی نمادین

Extraction Method: Principal Component Analysis.

یکی از اولین خروجی‌های روش تحلیل عاملی، جدول اشتراکات مربوط به هر متغیر است که نشان می‌دهد میزان واریانس مشترک یک متغیر با سایر متغیرهای به کار گرفته‌شده در تحلیل چقدر است. هرچقدر میزان آن در هر شاخص بالاتر باشد، نشان می‌دهد که آن شاخص دارای ارتباط بیشتری با

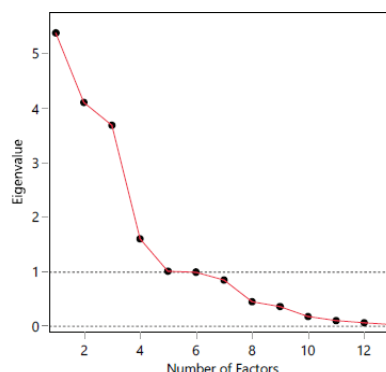
سایر نشانگرهای به کار گرفته شده در موضوع است. در این مرحله و در راستای شناسایی شاخص‌هایی که بیشترین ارتباط با موضوع را داشته باشد، شاخص‌هایی که مقادیر عددی آن‌ها کمتر از ۰/۴ باشد را از فرایند محاسبات حذف نموده تا مقدار KMO افزایش یافته و قدرت تبیین‌کنندگی مدل بیشتر گردد. در این مطالعه روش تحلیل عاملی اول با ۲۷ نشانه انجام شده و شگفتی و اکتشاف فضاها، سلسله مراتب حضور، تکرار الگوها به دلیل پایین بودن مقدار KMO حذف شدند تا مقدار اشتراکات بالاتر رفته و مقدار KMO نیز به حد مطلوب برسد. جدول زیر میزان واریانس مشترک بین یک متغیر نشانه ادراکی و بصری را با سایر متغیرهای به کار گرفته شده در تحلیل بعد از حذف سه شاخص مربوطه نشان داده و تحت عنوان جدول اشتراکات موسوم است. این جدول نشان می‌دهد که تمامی متغیرهای به کار گرفته شده در تحلیل، دارای واریانس مشترک بالایی می‌باشند.

در ارتباط با تعیین نهایی تعداد عوامل (ابعاد) تبیین‌کننده نشانگرهای پدیده آمده از هر یک از نشانه‌های بصری و معنایی، باید به لحاظ آماری سه شرط را رعایت نمود، شرط اول توجه به این نکته است که مقادیر ویژه^{۱۵} مربوط به تمامی نشانگرهای پدید آمده هر یک از نشانه‌های بصری و معنایی باید بالاتر از ۱ باشد. شرط دوم رعایت مقدار واریانس تجمعی است که مجموع واریانس تجمعی عوامل استخراج شده نهایی باید بالاتر از ۶۰ باشد و شرط سوم اینکه واریانس تبیین شده هر عامل به‌تنهایی باید بالاتر از ۱۰ باشد تا عامل مربوطه به‌عنوان عامل مبین هر یک از نشانه‌های بصری و معنایی شناخته شود. بررسی شروط فوق در جدول زیر نشان می‌دهد که شش عامل به‌عنوان عوامل تأثیرپذیر از گفتن در مسکن‌های جمعی مورد مطالعه شناخته شده‌اند. دلیل این موضوع این است که مقادیر ویژه هر یک از عوامل فوق بالاتر از ۱ بود و این مقدار در عامل اول ۴/۴۶۶۵ در عامل دوم ۳/۴۶۳ در عامل سوم ۱/۶۳۴ و در عامل چهارم ۱/۵۲۷، در عامل پنجم ۱/۳۱۷ و در عامل ششم ۱/۱۰۷ است. بررسی شرط دوم نشان می‌دهد که واریانس تجمعی تبیین شده توسط عوامل مربوطه در محدوده مورد مطالعه ۹۴/۴۷۲ است که نشان می‌دهد عوامل مربوطه ۹۴/۴۷۲ درصد از نشانه‌های بصری و معنایی بیان می‌کند. بررسی شرط سوم نیز نشان می‌دهد که هر عامل به‌صورت مستقل بیش از ۱۰ درصد واریانس را تبیین می‌نمایند تا جایی که مقدار این موضوع در عامل اول ۲۴/۹۴۶ درصد بوده و نشان می‌دهد که مهم‌ترین عامل در آن نهفته است.

جدول ۸- تعیین تعداد عوامل

ردیف	درصد واریانس و مقادیر ویژه عامل‌های مختلف							
	مقادیر ویژه اولیه		واریانس تبیین شده عامل‌هایی که مقادیر ویژه آن‌ها بزرگ‌تر از عدد یک باشد.		مجموعه مقادیر عامل‌های استخراج شده بعد از چرخش			
	کل	درصد واریانس	درصد تجمعی	کل	درصد واریانس	درصد تجمعی	کل	درصد واریانس
۱	۳.۹۲۷	۲۹/۸۲۸	۲۴/۹۴۶	۳/۸۲۷	۲۹/۸۲۸	۲۴/۹۴۶	۳/۳۲۶	۲۲/۵۸۳
۲	۲/۷۴۶	۲۲/۷۴۷	۴۵/۶۴۳	۲/۷۴۶	۲۲/۷۴۷	۴۵/۶۴۳	۲/۷۱۳	۲۰/۵۶۷
۳	۱/۹۵۰	۲۰/۴۲۲	۶۰/۱۳	۱/۱۹۵۰	۲۰/۴۲۲	۶۰/۱۳	۱/۸۹۷	۱۴/۵۹۰
۴	۱/۷۲۶	۱۴/۷۱۹	۷۲/۴۲۶	۱/۷۲۶	۱۴/۷۱۹	۷۲/۴۲۶	۱/۷۵۲	۱۳/۴۹۰
۵	۱/۴۴۲	۸/۸۴۰	۸۳/۴۵۵	۱/۴۴۲	۸/۸۴۰	۸۳/۴۵۵	۱/۴۳۹	۱۲/۲۷۸
۶	۱/۳۷۶	۵/۵۵۶	۹۵/۲۱۴	۱/۳۷۶	۵/۵۵۶	۹۵/۲۱۴	۱/۳۵۷	۱۰/۹۶۴

Number	Eigenvalue	Percent	20	40	60	80	Cum Percent
1	5.3690	29.828					29.828
2	4.0945	22.747					52.575
3	3.6772	20.429					73.004
4	1.5913	8.840					81.844
5	1.0000	5.556					87.400
6	0.9799	5.444					92.844
7	0.8332	4.629					97.473
8	0.4366	2.425					99.898
9	0.3488	1.938					101.836
10	0.1632	0.907					102.743
11	0.0895	0.497					103.240
12	0.0527	0.293					103.533
13	0.0195	0.108					103.641



Extraction Method: Principal Component Analysis.

بعد از تعیین واریانس هر یک از عوامل، ماتریس عاملی را دوران داده تا هریک از شاخص‌های مربوطه بیشترین ارتباط را با عوامل مربوطه به دست آورند و شرایط را برای نام‌گذاری و شناسایی عوامل مربوطه به مدد امتیاز هر شاخص از عامل تسهیل نمایند. درواقع این ماتریس همان

ماتریس عاملی است که عامل‌های آن با روش تجزیه به مؤلفه‌های اصلی استخراج شده و با روش چرخش واریماکس^{۱۷} دوران یافته است. محصول این مرحله وزنی را برای هر عامل در مقابل شاخص مربوطه ایجاد می‌کند.

عامل اول: این عامل ۲۹/۸۲۸ درصد واریانس کل را تبیین می‌نماید و بر اساس ماتریس فیلتر شده نهایی با متغیرهای پیچیدگی در عین خوانایی، تجارب حسی، تعادل و نظم، هماهنگی در اجزاء، نورپردازی، میزان ارتباط فرد با فضاها، محوری و مرکزی بودن همه فضاها همبسته است بر این اساس عامل دوم را تحت عنوان نشانه‌های فضایی نام‌گذاری کرد.

عامل دوم: این عامل ۲۲/۷۴۷ درصد واریانس کل را تبیین می‌نماید و بر اساس ماتریس فیلتر شده نهایی با متغیرهای انسجام کالبد فضا، نظم بصری، تقارن، تناسب، روشنایی، شگفتی و اکتشاف فضا همبسته است. بر این اساس عامل دوم را می‌توان تحت عنوان نشانه‌های کالبدی نام‌گذاری کرد.

عامل سوم: این عامل ۲۰/۴۲۲ درصد واریانس کل را تبیین می‌نماید و بر اساس ماتریس فیلتر شده نهایی با متغیرهای ارزش باطنی، نمود بصری وحدت، سلسله‌مراتب حضور، غنای ادراکی، شناخت محیط همبسته است. بر این اساس عامل سوم را می‌توان تحت عنوان نشانه‌های عرفانی نام‌گذاری کرد.

عامل چهارم: این عامل ۸/۸۴۰ درصد واریانس کل را تبیین می‌نماید و بر اساس ماتریس فیلتر شده نهایی با متغیرهای موتیف‌های برگرفته از طبیعت، عناصر طبیعی، هماهنگی کامل بنا همبسته است. بر این اساس عامل چهارم را می‌توان تحت عنوان نشانه‌های اقلیمی نام‌گذاری کرد.

عامل پنجم: این عامل ۵/۵۵۶ درصد واریانس کل را تبیین می‌نماید و بر اساس ماتریس فیلتر شده نهایی با متغیرهای رابطه انسان با بناها و محیط مناسب رفتاری همبسته است. بر این اساس عامل پنجم را می‌توان تحت عنوان نشانه‌های اجتماعی نام‌گذاری کرد.

جدول ۹- ماتریس عاملی دوران یافته و تعیین مقادیر ارتباط شاخص‌ها با عوامل

نام عامل	درصد تغییرات	ضریب تعیین R^2 (۲۰-۴۰) سال	ضریب تعیین R^2 (۴۰-۶۰) سال	ضریب تعیین R^2 (۶۰-۸۰) سال	شاخص‌ها
فضایی	29/828	0/918	0/842	0/725	پیچیدگی در عین خوانایی
		0/700	0/745	0/723	تعادل و نظم
		0/753	0/861	0/927	هماهنگی در اجزاء
		0/772	0/711	0/543	نورپردازی
		0/456	0/463	0/413	میزان ارتباط فرد با فضاها
کالبدی	22/747	0/921	0/911	0/906	محوری و مرکزی بودن همه فضاها
		0/911	0/917	0/925	انسجام کالبد فضا
		0/611	0/721	0/882	نظم بصری
		0/727	0/557	0/652	تقارن
		0/834	0/724	0/902	تناسب
عرفانی	20/422	0/814	0/895	0/817	روشنایی
		0/575	0/725	0/925	شگفتی و اکتشاف فضا
		0/447	0/547	0/551	ارزش باطنی
		0/387	0/802	0/914	سلسله‌مراتب حضور
		0/321	0/574	0/651	غنای ادراکی
اقلیمی	8/840	0/654	0/671	0/943	شناخت محیط
		0/890	0/835	0/844	تجارب حسی
		0/588	0/898	0/543	موتیف‌های برگرفته از طبیعت
اجتماعی	5/556	0/511	0/424	0/654	عناصر طبیعی
		0/161	0/211	0/323	هماهنگی کامل بنا
		0/543	0/819	0/841	رابطه بین انسان با بناها
		0/842	0/552	0/656	محیط مناسب رفتاری

با توجه به نتایج به‌دست‌آمده در گروه‌های سنی مختلف مطابق جدول ۹ مشخص گردید که:

گروه‌های سنی ۴۰-۲۰ سال

در بعد فضایی مربوط به محوری و مرکزی بودن فضاها با مقدار (۰/۹۲۱) بیشترین و کمترین مربوط به میزان ارتباط فرد با فضاها با مقدار (۰/۵۴۶) است در بعد کالبدی انسجام کالبد فضاها با مقدار (۰/۹۱۱) بیشترین و کمترین مربوط به شگفتی و اکتشاف فضا با مقدار (۰/۵۷۵) است. در بعد عرفانی بیشترین مربوط به شناخت محیط با مقدار (۰/۶۵۴) و کمترین مربوط به غنای ادراکی با مقدار (۰/۳۲۱) است. در بعد اقلیمی بیشترین مربوط به موتیف‌های برگرفته از طبیعت با مقدار (۰/۵۸۸) و هماهنگی کامل بنا با مقدار (۰/۱۶۱) است در بعد اجتماعی بیشترین مربوط به رابطه انسان با بناها با مقدار (۰/۸۴۲) و کمترین مربوط به رابطه انسان با بناها با مقدار (۰/۵۴۳) است.

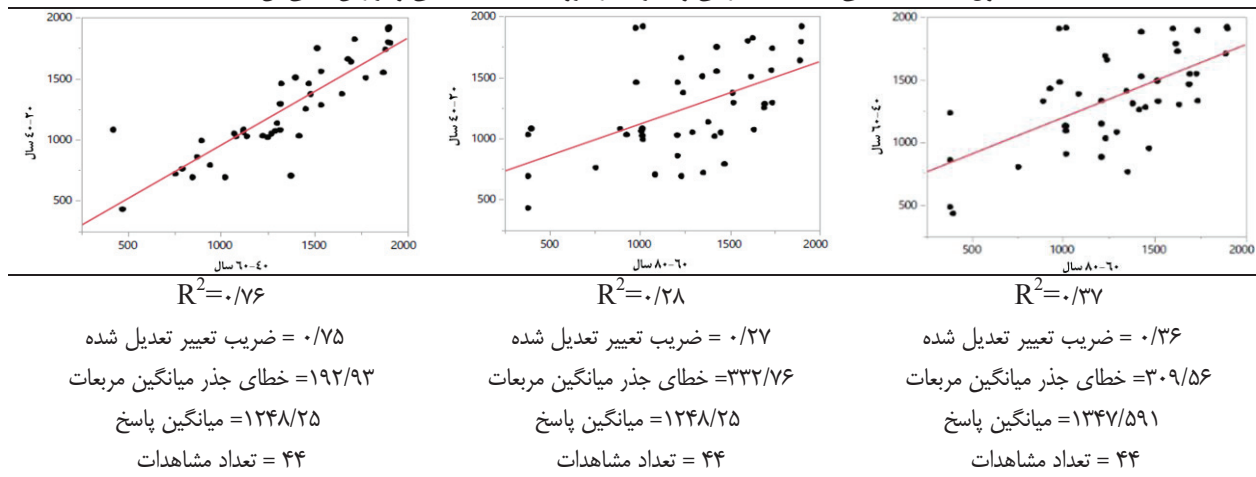
در گروه سنی ۴۰-۶۰ سال

در بعد فضایی بیشترین مربوط به محوری بودن و مرکزی بودن فضاها با مقدار (۰/۹۱۱) و کمترین ارتباط با فضا مقدار (۰/۴۶۳) است در ابعاد کالبدی انسجام کالبد فضاها با مقدار (۰/۹۱۷) و کمترین مربوط به تقارن با مقدار (۰/۵۵۷) است. در بعد عرفانی سلسله‌مراتب حضور با مقدار (۰/۸۰۲) و غنای ادراکی (۰/۵۷۴) کمترین است در ابعاد اقلیمی موتیف‌های برگرفته از طبیعت با مقدار (۰/۸۹) بیشترین و کمترین در بنا با مقدار (۰/۲۱۱) است در اجتماعی رابطه بین آنان با بناها با مقدار (۰/۸۱۹) بیشترین و کمترین مربوط به محیط مناسب رفتاری با مقدار (۰/۵۵۲) است.

در گروه سنی ۶۰-۸۰ سال

در بعد فضایی هماهنگی در اجزا با مقدار (۰/۹۳۷) بیشترین و کمترین مربوط به میزان ارتباط فرد با فضاها با مقدار (۰/۴۱۳) است در بعد کالبدی انسجام کالبد فضاها بیشترین و کمترین مربوط به تقارن با مقدار (۰/۶۵۲) است در بعد عرفانی بیشترین مربوط به شناخت محیط با مقدار (۰/۹۴۳) و کمترین مربوط به ارزش باطنی با مقدار (۰/۵۵۱) است در اقلیمی عناصر طبیعی با مقدار (۰/۶۵۴) بیشترین و کمترین مربوط به هماهنگی کامل بنا با مقدار (۰/۳۲۳) است در بعد اجتماعی رابطه بین انسان با بناها با مقدار (۰/۸۴۱) بیشترین و کمترین مربوط به محیط مناسب رفتاری با مقدار (۰/۶۵۶) است.

جدول ۱۰- همبستگی نشانه‌های ادراکی و بصری در گروه‌های مختلف سنی و برازش خطی آن



بر اساس جدول ۱۰ همبستگی به‌دست‌آمده از گروه‌های سنی مختلف مشخص شد در گروه‌های سنی ۴۰-۲۰ و ۶۰-۴۰ تقریباً توجه به نشانه‌های ادراکی و بصری در یک فضا برابر است ضریب همبستگی ۰/۷۶ حاکی از این امر است به‌طوری کلی می‌توان این‌گونه بیان نمود که برای طراحی نشانه‌های ادراکی و بصری در یک فضا گروه‌های سنی ۲۰-۶۰ سال به یک صورت فکر می‌کنند و می‌توان از نتایج یک گروه برای تبیین رفتار گروه دیگر استفاده نمود اما این امر در گروه سنی ۶۰ تا ۸۰ سال وجود ندارد و نیاز قبل از طراحی محیطی با این خصوصیات نظر این گروه سنی جدا مورد بررسی قرار گیرد؛ اما با توجه به نمودارها مشخص می‌شود که نشانه‌های ادراکی و بصری در گروه‌های سنی ۴۰-۶۰ و ۶۰-۸۰ دارای همبستگی بیشتری هستند به نظر می‌رسد نوع نگاه گروه‌های سنی ۶۰-۸۰ امتیازدهی به نشانه‌ها دارای تفاوت بوده و با گذر زمان این تفاوت بیشتر هم می‌شود این امر با توجه به ضرایب تعیین به‌دست‌آمده این امر را تأیید می‌کند که باید در طراحی‌ها مبتنی بر نشانه‌های ادراکی و بصری به این امر توجه ویژه‌ای نمود.

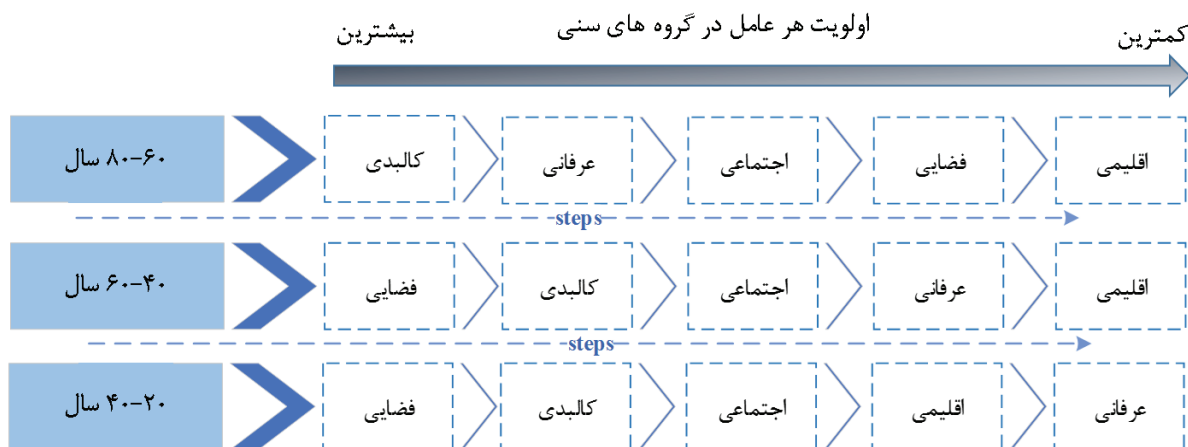
بحث و نتیجه گیری

از آنجا که شهر در نگاه نخست منظر و سیما خود را در معرض دید و قضاوت ناظران قرار می دهد و مانند نمای ظاهری و پوسته بیرونی، نگاه هر بیننده ای را در وهله نخست متوجه خود می کند. به منظور حل این مشکل اقدامات اندکی در مطالعات پیشین، به صورت پراکنده و موردی و بدون توجه به بستر موجود صورت گرفته است که به علت نگاه منفعل به عناصر نظام بصری و معنایی موفق به طراحی ساختاری منسجم از نشانه های شهری به منظور افزایش هویت بخشی نگردیده است. بی توجهی به چارچوب ادراکی مردم، پاسخ دهی لازم را به منظور ایجاد محیط های هویت مند به وجود نیاورده است. به همین دلیل است که احساس گمشدگی و ترس، ارتباط برقرار نکردن با محیط و کم رنگ شدن توانایی مردم در درک محیط و بخصوص موجب ادراک متفاوتی از محیط توسط مردم روبه افزایش نهاده است.

یکی از دلایل تفاوت در ادراک محیط، سن افراد است. بر اساس احساس، فرآیند ادراک شکل می گیرد و انسان در فرآیند رشد احساس و به تبع آن نیازهای متفاوتی دارد. یک طراحی مخاطب محور برای نشانه شهری باید همه اقشار را با توانایی های گوناگون در نظر بگیرد. در طراحی شهری مخاطب محور، نگاه ما متوجه انسان هایی است که در حال رشد و گذار از دوران مختلف زندگی خود هستند؛ بنابراین طراحی برای هریک از گروه های سنی مقتضیات خاص خود را می طلبد.

امروزه شهرسازان بر این باورند که ادراک محیط نقش بسیار مهمی در سیاست گذاری و توسعه طرح های شهری ایفا می کنند و به نظر می رسد که شهرسازان با آگاهی از ادراکات مردم و ترجیحاتی که آن ها در محیط های مختلف دارند، می توانند به خلق محیط های با هویت دست بزنند؛ در نتیجه با توجه به آن که طراحی آگاهانه و هدفمند ساختار شهر و به طور خاص ساختار نشانه ای شهر در ارتقا کیفیت محیط نقشی غیرقابل انکار دارد و برای داشتن ساخت، نه تنها وجود مجموعه ای از عناصر، که وجود یک دستور در نحوه چیدمان آن ها لازم است؛ لذا در این پژوهش با هدف بررسی تأثیر نشانه های بصری و معنایی که منجر به هویت مندی یافت قدیم شهری بر ادراک متفاوت سه گروه سنی جوان، میان سال و کهن سال می شوند، به شناسایی این عوامل از دیدگاه خبرگان و کاربران فضایی پیردازد استفاده گردیده است.

محله ای فهادان محله ای است که باوجود حفظ بسیاری از معیارهای هویتی خود امروز همچنان وامدار هویت بجا مانده از گذشته است. محله تاریخی فهادان یزد به عنوان قلب گردشگری شهر یزد، الگوی یک شهر ایرانی اسلامی است. نشانه های شهری سبب حفظ الگوهای حاکم بر فرهنگ شهر است و بیانگر اسطوره های شهری است. نشانه هایی که ضمن ارتقا سواد بصری شهروندان، باعث تقویت هویت شهری گردیده است. نشانه ای که علاوه بر توجه به ظرفیت هایی که آینده در اختیار آن می گذارد نگاهی به فرهنگ غنی گذشته خود دارد و می تواند به نیازهای کنونی گروه های مختلف سنی پاسخ دهد. یادآور خاطرات جمعی است. کیفیت محیطی را به عنوان یکی از اجزای فضای شهری ارتقا دهد و به جذابیت و خوانایی شهر افزوده است و خود سبب جذب گردشگر می شود. در نتیجه در این پژوهش، محله فهادان به عنوان یک یافت غنی با داشتن نشانه های بصری و ادراکی گوناگون، ابتدا از جنبه های مختلف مورد استخراج و سپس ارزیابی قرار می گیرند. نشانه های استخراج شده در ابعاد فضایی، کالبدی، عرفانی، اقلیمی و اجتماعی قابل دسته بندی هستند. ترتیب دسته بندی سهم عاملی برای گروه های سنی متفاوت به شرح زیر است:



با توجه به اولویت‌های به‌دست‌آمده در هر گروه سنی، ادراک نشانه‌های بصری و معنایی در هویت محله فهادان یزد به‌صورت زیر اتفاق می‌افتد.

جدول ۱۱- نحوه ادراک نشانه‌های ادراکی و بصری گروه‌های سنی مختلف در محله فهادان

گروه‌های سنی مختلف				
۲۰-۴۰ سال	۴۰-۶۰ سال	۶۰-۸۰ سال		
ادراک بصری	• ایجاد یک مخروط دید غیر گسترده و باریک به آن عنصر • مکان آزاد و مشخص (رویت‌پذیر) • احاطه شدن با منظر و چشم‌انداز • قرارگیری بر روی نقاط مهم • تصمیم‌گیری • شکل پیچیده	• ظاهر روشن و شفاف • رویت‌پذیر و مشخص بودن از مسیرهای مهم • از طریق ارتفاع مشخص • نشانه‌های بزرگ و رویت‌پذیر • قرارگیری بر روی محورهای عمده و مهم • نقاط مرجع به کمک ترکیبی از اجزا که دارای آشنایی بیشتر، تسلط بصری، رویت‌پذیری و نمایشی از یک فاصله مشخص و اهمیت فرهنگی بیشتر هستند	• ظاهر، رنگ و بافت منحصر به فرد • رویت‌پذیر و مشخص بودن از مسیرهای مهم • استفاده از اصول معماری بومی و اقلیمی در طراحی نشانه شهری • درک مصالح نشانه شهری متفاوت و متناسب با محیط • درک عناصر طبیعی در طراحی نشانه کالبدی	
	ادراک معنایی	• تنوع نشانه جایگزین پیچیدگی شود • مفاهیم متنوع • تنوع بصری و غنای رنگ و بافت جهت جذابیت بصری • ارتباط موضوع نشانه شهری با عملکرد و هویت مکان • رعایت سلسله‌مراتب حضور • رویت‌پذیری نشانه‌های شاخص در طول حرکت در محورهای مجاور آن	• تناسب و مقیاس نشانه • پیوستگی در بکارگیری اجزای دارای فرم و شکل در فضا • با به‌کارگیری فضای اصلی و در بردارنده فعالیت موردنظر با حمایت عملکردی و مرکزیت دادن آن نسبت به دیگر فضاها • تقویت پیوستگی عناصر شاخص • از طریق همپوشانی عناصر شاخص در طول محورهای با هم‌پیوندی زیاد	• با استفاده از تقارن، تناسب و نظم برای درک راحت‌تر و ایجاد طرح‌واره سریع‌تر ذهنی • با استفاده از نشانه‌های کالبدی منتج از هویت بومی و فرهنگی، برای افزایش غنای ادراکی و منحصر به فرد کردن هر فضا؛ • با استفاده از کف‌سازی خاص برای کمک به گردش فضایی راحت‌تر و افزایش کیفیت انتخاب مسیر؛ • تعریف مناسب هر فضا متناسب با تمامی گروه‌های سنی • ایجاد مبلمان منطبق بر این امر و هماهنگی با محیط پیرامونی

با اینکه محله فهادان یزد دارای هویت محیطی از نظر همه گروه‌های سنی است، اما دارای ضعف‌هایی نیز می‌باشد که باید در برنامه‌ریزی‌های آتی برای این محله مدنظر مسئولین قرار گیرد. ازجمله ضعف‌های این محدوده می‌توان به کاهش توجه به خط آسمان و هم‌خوانی بین ساخت و سازهای جدید اشاره کرد. لازم به ذکر است از آنجاکه پیش‌تر تحقیقاتی در زمینه ادراک هویت بافت تاریخی توسط گروه‌های سنی مختلف از طریق نشانه‌های بصری و معنایی در ایران و جهان صورت نگرفته است، امکان مقایسه نتایج این پژوهش با سایر پژوهش‌ها وجود نداشته و لذا بهتر است برای اطمینان از نتایج به دست آمده، موضوع پژوهش را در سایر محلات با ویژگی‌های مختلف جغرافیایی، کالبدی-فضایی، اقتصادی، اجتماعی- فرهنگی و غیره مورد بررسی قرار گیرد.

برای طراحی محیطی منطبق بر نشانه‌های ادراکی و بصری در بردارنده هویت برای برابری گروه‌های سنی مختلف راهبردهای زیر پیشنهاد می‌گردد:

- استفاده از فرم‌های ساده در ساخت‌وسازهای مجاور خانه‌های تاریخی (خانه عرب‌ها و خانه محمودی) جهت افزایش تأکید کالبدی بر این عناصر،

- ثبت بقعه دوازده امام در محله فهادان یزد در ادراک و حافظه جمعی مردم به کمک تعریف مکان‌هایی جهت وقوع اتفاقات فرهنگی و انعطاف‌پذیر،

- حفظ دید به بقعه دوازده امام در محله فهادان یزد به‌واسطه کنترل ضوابط ساخت‌وساز در این پهنه،

- تعریف فعالیت‌های همگانی و همه‌شمول در هتل موزه فهادان جهت افزایش حضور گروه‌های سنی متفاوت در این مکان‌ها و افزایش نقش عملکردی،
- تعریف ورودی و فضاسازی چشم‌نواز در مجاورت زندان اسکندر جهت تأکید بیشتر بر این عناصر،
- استفاده از یک ریتم تکرارشونده در دو سمت ورودی و خروجی محله فهادان بر جهت تقویت هویت بصری و خوانایی فضا،
- استفاده از نورپردازی خاص در این بناهای تاریخی محله جهت افزایش رؤیت پذیری آن‌ها در شب و تأکید بصری بر آن‌ها،

پی‌نوشت‌ها

۱. Lynch
۲. Amos Rapoport
۳. Jon Lang
۴. Christian Norberg-Schulz
۵. Ed White
۶. Edward Relph
۷. Donald Appleyard
۸. Gordon Cullen
۹. Charles – Augustin de Coulomb
۱۰. Riitta Krpela
۱۱. Kaiser-Meyer-Olkin Measure of Sampling Adequacy
۱۲. Bartlett's Test of Sphericity
۱۳. Principal Component Analysis
۱۴. Explained Variance Checking
۱۵. Eigenvalues
۱۶. Rotated Component Matrix Counting
۱۷. dVarimax

منابع

- امیری خوشکار وندانی، س. (۱۳۹۵). بررسی مفهوم شناختی نشانه و رمزگان در معماری و شهرسازی با تأکید بر معماری و شهر اسلامی، مدیریت شهری، شماره ۴۳، ۴۴۴ - ۴۲۳.
- انصاری، م.، صادقی، ع.، احمدی، ف.، حقیقت‌بین، م. (۱۳۸۷). هویت بخشی به محلات بافت‌های فرسوده شهری با تأکید بر ساماندهی نظام بصری، آینه خیال (علمی - ترویجی)، شماره ۱۱، صص ۱۰۰ - ۹۳.
- ایزدپناهی، پ. (۱۳۹۵). مقایسه و بررسی ایدئولوژیک نشانه‌های شهری بوشهر پیش و پس از ورود مدرنیته به شهر، مطالعات هنر و معماری، شماره ۵ و ۴ (پیاپی ۱۲ و ۱۱)، صص ۵۲ - ۴۰.
- پورجعفر، م.، علوی بالمعنی، م. (۱۳۹۱). ویدئو اکولوژی: بوم‌شناسی بصری در معماری و طراحی شهری، انتشارات آرمان‌شهر، تهران.
- پورجعفر، م.، منتظرالحججه، م. (۱۳۸۹). نشانه‌های شهری، تعاریف، گونه شناسی، مکان‌یابی برنامه‌ریزی و طراحی، انتشارات طحان/ هله، تهران.
- پورزرگر، م. (۱۳۹۰). خانه، سنت و باززنده سازی محله جوباره در اصفهان، هویت شهر، شماره نهم، سال پنجم، پائیز و زمستان، صص ۱۱۷-۱۰۵.
- حمدجانی، ی.، بایزیدی، ق.، سبحانی، ج. (۱۳۹۶). مطالعه کیفی دلالت‌های معنایی معماری هورامان تخت از منظر نشانه‌شناسی، باغ نظر، شماره ۵۷، ۶۳ - ۴۵.
- زال‌نژاد، ک.، دلیری، ا. س.، ایرانی، ش. (۱۳۹۲). از نمادهای شهری تا نماهای شهری (تحلیلی بر نقش و جایگاه نمادهای شهری در هویت شهر)، فصلنامه بن، شماره ۱، ۵۴ - ۴۲.
- دولابی، پ.، شاعری، ز.، حاجب‌زاده، ا. (۱۳۹۴). بازخوانی آرایه‌های نظام بصری در بافت تاریخی بوشهر با تأکید بر رویکرد ذهنی، پژوهش‌های منظر شهری، شماره ۴، ۴۷ - ۳۵.

- شریفیان، ا. (۱۳۹۷). بازطراحی ساخت کالبد مجموعه تاریخی شهر یزد با تأکید بر تأثیر الگوی ساخت امنیت بر آن (نمونه پژوهی: سوپر بلوک محله فهادان)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه یزد.
- شهبان، پ.، گلی‌پور، م. (۱۳۹۶). مدیریت بصری شهر با تأکید بر نماهای ساختمان، پنجمین کنگره بین‌المللی عمران، معماری و توسعه شهری، تهران.
- شولتس، ک. (۱۳۹۴). معنا در معماری غرب، ترجمه: مهرداد قیومی بیدهندی، فرهنگستان هنر، تهران.
- ظهوریان، م. (۱۳۹۵). بررسی نقوش نمادین و نشانه‌های بصری در معماری شاخص ایران (از عیلام تا پایان امپراطوری ساسانی) با رویکرد معناشناسی، پایان‌نامه دکتری باستان‌شناسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران.
- عامری سیاهویی، ح. ر.، احمدی سرخونی، ف.، سایبانی، ب. (۱۳۹۶). بررسی عملکرد نشانه‌های شهری بر درک مردم از محیط شهری (مطالعه موردی: شهر بندرعباس)، کنفرانس پژوهش‌های معماری و شهرسازی اسلامی و تاریخی ایران، شیراز.
- قشقایی، ر.، موحد، خ.، مضطرزاده، ح. (۱۳۹۷). تدوین معیارهای طراحی منظر شهری در راستای بر انگیزش حس تعلق به مکان، مدیریت شهری، شماره ۵۰، ۴۶۰ - ۴۳۵.
- کارآموز، ا. (۱۳۹۳). ارائه مدل مسکن بومی شهر یزد (نمونه موردی: محله فهادان و محله قاسم‌آباد)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه یزد.
- کاظمی، ع.، بهزادفر، م. (۱۳۹۲). بازشناسی نظام معانی محیطی در محیط‌های تاریخ با تأکید بر تحولات اجتماعی مخاطبان (مطالعه موردی: محله صیقلان رشت)، مطالعات شهری، شماره ۶، ۸۷ - ۷۵.
- کالن، گ. (۱۳۹۰). گزیده منظر شهری، ترجمه منوچهر طیبیان، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.
- کامورشلمانی، آ.، حناچی، سی. (۱۳۹۴). بررسی تأثیر عوامل بصری فضاهای شهری بر الگوهای رفتاری شهروندان، هویت شهر، شماره ۲۴، ۷۸ - ۶۵.
- کلالی، پ.، مدیری، آ. (۱۳۹۱). تبیین نقش مؤلفه معنا در فرآیند شکل‌گیری حس مکان، هنرهای زیبا، شماره ۵۰، ۵۲ - ۴۳.
- کوهی‌فرد، ا. (۱۳۹۷). هویت در معماری ایرانی، انتشارات نگاه بوستان، تهران.
- لاری‌پور، ن.، دادور، ا. (۱۳۹۸). تحلیل نشانه‌شناسی صورت و معنا در مسجد وکیل شیراز، مطالعات هنر اسلامی، شماره ۳۲، ۹۷ - ۷۰.
- لینچ، ک. (۱۳۹۵). تئوری شکل خوب شهر، ترجمه حسین بحرینی، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.
- ماجدی، ح.، سعیده زرآبادی، ز. (۱۳۸۹). جستاری در نشانه‌شناسی شهری، آرمان‌شهر، شماره ۴، ۵۶ - ۴۹.
- محمدحسینی، ا.، طغریایی، ا.، میرغلامی، م. (۱۳۹۵). تحلیل گونه‌شناسانه عوامل مؤثر بر خوانایی نشانه‌های شهری (مطالعه موردی: خیابان ولیعصر (عج) تهران (محدوده میدان ونک تا میدان تجریش)، هویت شهر، شماره ۲۵، ۷۴ - ۶۱.
- موذنی، م. ر. (۱۳۹۴). طراحی باغ سه فصل کویر با رویکرد ذهنیت‌گرایی به داستان‌های اساطیری ایران در محله فهادان یزد، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده فنی و مهندسی، دانشگاه آزاد واحد مرودشت.
- مرادزاده، ز. (۱۳۹۸). دستیابی به فضای مطلوب شهری با تأکید بر نقش مؤلفه معنا در شهر با محوریت ادراک محیطی شهروندان (مطالعه موردی: منطقه ۸ شهرداری تبریز)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشکده برنامه‌ریزی و علوم محیطی، دانشگاه تبریز، تبریز.
- ملکی، م. (۱۳۹۶). معنا در معماری، انتشارات رویان پژوه، تهران.
- موسوی سروینه باغی، ا.، صادقی، ع. (۱۳۹۵). ارائه فرآیند طراحی جداره‌های شهری در جهت ارتقای کیفیت‌های بصری زیبایی‌شناسی منظر شهری (نمونه موردی: خیابان احمدآباد مشهد)، مدیریت شهری، شماره ۴۳، ۱۱۴ - ۹۹.
- نرخ آبادی فام، م. (۱۳۹۵). ارزیابی معناشناختی نشانه‌های شهری بر مبنای هویت اسلامی (نمونه موردی: سیمای محلات سنتی و معاصر تبریز)، پایان‌نامه دکتری معماری، دانشکده فنی و مهندسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اردبیل، اردبیل.
- نصر، ط. (۱۳۹۶). جایگاه نشانه‌های شهری در واکاوی مؤلفه‌های هویت و فرهنگ در سیمای شهر ایرانی (مطالعه موردی: بررسی سیمای شهر شیراز)، هویت شهر، شماره ۲۹، صص ۲۸ - ۱۷.
- نصر، ط.، ماجدی، ح. (۱۳۹۲). نگاهی به مقوله هویت در شهرسازی. آرمان‌شهر (علمی - پژوهشی)، دوره ۵، شماره ۱۱، صص ۲۷۷ - ۲۶۹.

- وحدت، س.، رضایی‌راد، ه. (۱۳۹۶). ارتقاء ارزش‌های بصری در کریدورهای دید شهری با QSAM (نمونه موردی: میدان انقلاب زنجان)، آمایش جغرافیایی فضا، شماره ۲۳، ۸۶ - ۶۹
- Azma, S., & Katanchi, R. (2017). The Effect of Landscaping and Building Facades on Perceptual-Behavioral Features of Citizens, *Journal of History Culture and Art Research*, 6(3), 264 – 281.
- Alkan Bala, H. (2016). Landmarks in urban space as signs. *Current Urban Studies*, 4(04), 409 – 429.
- Appleyard, D. (2002). Streets Can Kill Cities: Third World Beware (N. Tavalayi Trans). *ABADI*, 39, 73-83.
- Caduff, D., & Timpf, S. (2008). On the Assessment of Landmark Salience for Human Navigation, *Cognitive Processing*, 9, 249-267.
- Eco, M. (2018). Function and Sign: The Semiotics of Architecture. Research Publisher Partnership. 173-186.
- Frank, E.A. (2006). Many Pathways from Land use to Health, *Journal of the American Planning Association*, 7.
- Ghafari, A., Falamaki, M., & Habib, F. (2015). Evaluation the Theories of Semiotics Approach in the Reading of Architecture and Urbanism, *International Journal of Review in Life Sciences*, 5(4), 642 – 649.
- Ganitseva, J., & Coors, V. (2010). Automatic landmark detection for 3D urban models. In 5th International Conference on 3D GeoInformation, Berlin, Germany.
- Kalin, A., & Yilmaz, D. (2012). A Study on Visibity Analysis of Urban Landmarks, *METU Journal of the Faculty of Architecture*, 29-241-271.
- Kamrani, A. & Behzadfar, M. (2016). The Meaning of Place, A Constant or Changing Quality? Lynch, Rapoport and Semiotics View points, *Space Ontology International Journal*, 5 (2), 43 – 47.
- Korpela, R. (1998). Galacto – Oligosaccharides Relieva Constipation in Elerly People, 42(6): 227 – 319.
- Kumer, R. (2009). *Wakability of Neighborhoods: A Critical Analysis of Zoning Codes*, Master of Community Planning, University of Cinunnati.
- Norberg – Schulz, C. (2017). Meaning in Western Architecture. (Semantic Conservation, Sense of Place Conservation, Physical Conservation).
- Pouzeshgar, M. R. (2014). Home, Tradition and Regeneration of Joybareh Neighborhood of Isfahan. PHD Thesis Restoration, Pplytechnic University of Milan, Italy.
- Richter, K. F., & Winter, S. (2014). Introduction: What Landmarks Are, and Why They Are Important. In Landmarks (pp. 1 - 25). Springer, Cham
- Stedman, R., Beckley, T. (2004). A Picture and Photography to Understand Attachment to High Amenity Places, *Journal of Leisure Research*.
- Saeideh Zarabadi, Z. S. Imani Alvech, H. & Aghamahdi Sarraf, H. (2013). Structural Analysis of the City Semiology (Case study: Yazd City), *International Journal of Architecture and Urban Development*, 3(3), 53-73.
- Samavatekbatan, A., Gholami, S., & Karimimoshaver, M. (2016). Assessing the Visual Impact of Physical Features of Tall Buildings: Height, Top, Color, *Environmental Impact Assessment Review*, 57, 53 – 62.
- Van Lenthe F. J. (2016). Mackenbush in Physicalinactivity: The Role of Neighborhood Attractiveness, *Proximity to Local Facilities and Safety in the Netherlands*, Soc. Med, 60: 763 – 775.
- Zhang, X., Li, Q. Q., Fang, Z. X., Lu, S. W., & Shaw, S. L. (2014). An assessment method for landmark recognition time in real scenes. *Journal of Environmental Psychology*, 40, 206 – 217.

Investigating the effect of light and color with the approach of emotional security in Qajar houses of Tabriz

Seyyede Azita Majdzadeh, PhD Student in Architecture, Department of Art and Architecture, Birjand Branch, Islamic Azad University, Birjand, Iran.

Reza Mirzaei*, Assistant Professor, Department of Art and Architecture, Birjand Branch, Islamic Azad University, Birjand, Iran.

Seyyed Mehdi Madahi, Assistant Professor, Department of Art and Architecture, Birjand Branch, Islamic Azad University, Birjand, Iran.

Mohammad Reza Mabhoot, Assistant Professor, Department of Architecture and Urban Planning, Khavaran Institute of Higher Education, Mashhad, Iran.

Ahmad Heidari, Assistant Professor, Department of Art and Architecture, Birjand Branch, Islamic Azad University, Birjand, Iran.

Received: 2021/11/1

Accepted: 2022/6/6

Introduction: Identity of artificial environments is always derived from human components and behavioral sciences, and this identity is more valuable in neighborhoods that have a history and historical context, because of the multiple uses of semantic and identity signs attributed to culture, which are used in different age groups. Signs can have a different appearance from their point of view. Therefore, in this research, to investigate the impact of visual and semantic signs that lead to the identity of the old urban context on the different perceptions of three age groups, young, middle-aged, and old, it has been tried to identify these factors from the point of view of experts and spatial users.

Method: The research method is a qualitative-quantitative combination that is used in the extraction of variables from semi-structured interviews with coding and data reduction technique in ATLAS.TI software and in a small part of JMP software to analyze inferential statistics and correlation of age groups and plot curve fitting is used

Results: The results show that in the age groups of 60-40 and 40-20, attention to perceptual and visual signs in the same space is almost equal, and the correlation coefficient of 0.76 shows this. It can be said that for the design of perceptual and visual signs in space, age groups of 20-60 years old think in the same way, and the results of one group can explain the behavior of another group, but this is the case in the age group of 60-80 years old. It does not exist, and it is necessary to examine the opinions of this age group separately before designing an environment with these characteristics; but according to the graphs, the perceptual and visual signs in the age groups of 60-40 and 80-60 have a higher correlation. The way of looking at the signs in the age groups of 60-80 has a difference and over time, this difference is more. It is also possible, according to the determination coefficients obtained, it confirms that special attention should be paid to this issue in designs based on perceptual and visual signs.

Conclusion: In the conclusion of this research, the Fahadan neighborhood as a rich context with various visual and perceptual signs is first extracted from different aspects and then evaluated. We can categorize the extracted signs into spatial, physical, mystical, climatic, and social dimensions.

* Corresponding Author's E-mail: mirzaeireza@iaubir.ac.ir